

اکثریت

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ برابر با ۳۱۴
عادت ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره

جنگی دیگر

صدام حسین، دیکتاتور عراق جنگی دیگر آغاز کرده است. حاکم بغداد در توسعه طلبی خود، حد و مرز نمی شناسد. ده سال پیش، رژیم عراق با تهاجم به خاک ایران، قصد تصرف خوزستان را داشت. این نقشه شکست خورد. اینک صدام حسین با "فتح" کویت، طعمه‌ای بزرگتر از خوزستان به دست آورده است. و این بار، هیچ دولتی در جهان از این تجاوز آشکار دفاع نمی‌کند.

پیامدهای این تجاوز، بسیار خطرناکند. صدام حسین با ماجراجویی جدیدش، دهن‌تنامه‌ای برای ناوگان آمریکا فرستاده است. درگیری نظامی احتمالی آمریکا و عراق، هواقب بسیار مملکتی برای منطقه خواهد داشت. ایران نیز از آتشی که چنین تشنجی بر می‌فریزد، بی‌نصیب نخواهد ماند. البته لازم به تذکر است که چند سال مقاومت منعی مردم ایران در برابر جنگ‌افروزی آخوندهای حاکم از فقها امکان ماجراجویی‌های جدید را تا حد زیادی سلب کرده است. اما اگر پای پنتاگون به این ماجرا کشیده شود، چشم‌انداز تحولات آینده به کلی نامعلوم خواهد بود و چارچوب محاسبات فعلی به هم خواهد ریخت.

اکنون موقعیت بسیار خطیری ایجاد شده است. تحولات منطقه، روز به روز و هفته به هفته‌اند. آنچه دیروز غیرممکن می‌نمود، امروز ممکن شده و آنچه امروز تصورش هم نمی‌رود، ممکن است همین فردا روی دهد. این بی‌ثباتی، مشخصه اصلی موقعیت کنونی است.

تاکنون رژیم جمهوری اسلامی از ماجرا به کنار مانده است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی در محکومیت تجاوز عراق، لحنی را انتخاب کرده است که ایران را در کنار اکثریت کشورهای جهان قرار می‌دهد. باید کوشید چنین که تا به حال بوده، بماند. مردم ایران پس از هشت سال جنگ، بیش از هر چیز به صلح پایدار و ثبات نیاز دارند. ایران باید نقشی موثر در تلاشهای دیپلماتیکی که برای دفع تجاوز عراق آغاز شده است، ایفا کند، نه کمترین و نه بیشتر.

تهاجم عراق به کویت بار دیگر نشان داد که دیکتاتوری و جنگ، به هم گره خورده‌اند. رژیمی که در رابطه خود با مردم، به سرنیزه متکی است، هر جا که بتواند، با دیگران نیز به زبان قهر سخن می‌گوید. از این رو، سخن رئیس‌جمهوری آمریکا بجاست که گفته است در جهان امروز دیگر جایی برای قلدر منشی‌هایی از این دست نیست. اما آقای بوش گویا فراموش کرده که همین هشت ماه پیش، خود دستور لشکر کشی به پاناما را داد. آری، جهان امروز دیگر جای قلدری نیست، اما هدالت هم تفکیک پذیر نیست. اگر توسعه طلبی بد است، همه توسعه طلبان را باید محکوم کرد. دولت آمریکا در همین چند سال اخیر، کارنامه سیاهی دارد که هیچ تطابق با فضایی تنش‌زدایی حاکم بر جهان نشان نمی‌دهد: گرانادا، لیبی و پاناما، "کویت" های آمریکا بوده‌اند. با این کارنامه سیاه، آمریکا نمی‌تواند "زاندازم" منطقه خاورمیانه باشد. دخالت آمریکا، به معنای گسترش جنگ خواهد بود و نه بازگشت صلح. از این رو مبارزه با خطر، مداخله نظامی آمریکا، و وظیفه اصلی همه نیروهای است که به برقراری صلح و ثبات در منطقه علاقه‌مندند. این مبارزه از مجاری سیاسی و دیپلماتیک می‌گذرد.

مسئولان جمهوری اسلامی در یکی از دشوارترین مقاطع دوران حکومت خود قرار گرفته‌اند. آنها که تا پیش از تحولات اخیر، به لحاظ سیاسی تصمیم گرفته بودند که به صلحی دائمی با عراق دست یابند، اینک باید در قیاب خمینی، یک تصمیم حیاتی دیگر بگیرند: آیا باید مسئولانه در جهت برگرداندن آرامش به منطقه حرکت کرد و همه چیز را در مناسبات با سایر کشورها تابع این ضرورت نمود، و یا باید باز به یاد شعارها و مواضع نشات گرفته از یک استراتژی توسعه طلبانه، همانند مشی رژیم صدام حسین، اما با نشان دادن پان اسلامیسیم به جای شو و نیمس هری، افتاد؟

رییس کل بانک مرکزی :

پیگرد طرفداران
منتظری

در صفحه ۳

ظرف پنج سال ۱۷۵ میلیارد دلار وام می‌گیریم

ایران آمده بودند و مشاهده کردند که وضعیت اقتصادی کشور مناسب و خوب است و به این نتیجه رسیدند که وضع ما از بسیاری از کشورها بهتر است. رئیس کل بانک مرکزی در همین حال با دفاع از قصد دولت برای افزایش سهمیه ایران در صندوق بین‌المللی پول، تلویحا تصمیم به گرفتن وام از این صندوق را بقیه در صفحه ۴

گزارش بانک مرکزی در مورد تورم در صفحه ۴

سید محمدحسین هادلی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در نشست بنام "سمینار موسسه تحقیقات پولی و بانکی" اعلام کرد: "در برنامه ۵ ساله پیش‌بینی شده است که از منابع خارجی بهره‌برداری کنیم. ما درصددیم تا آنرا از منابع و موسسات یا کشورهای تهیه کنیم که به نفعمان باشد. قرار است مبلغ ۱۷/۵ میلیارد دلار از منابع خارجی برای پروژه‌های مختلف استفاده کنیم." هادلی افزود: "این

عراق کویت را اشغال کرد

محکومیت تجاوز عراق توسط وزارت خارجه جمهوری اسلامی
شورای امنیت سازمان ملل خواهان عقب نشینی فوری نیروهای عراقی شد

به یک "گورستان" تبدیل خواهد کرد. به گزارش دیپلمات‌های خارجی، حدود ۳۵۰ تانک عراقی چند ساعت پس از عبور از مرز، وارد پایتخت کویت شدند که با مرز عراق ۶۵ کیلومتر فاصله دارد. شاهدان هینی گفته‌اند بنادر

و فرودگاه‌های نظامی کویت به شدت توسط هواپیماها و توپخانه عراق گلوله باران شدند. در پیشاپیش نیروهای عراقی که سحرگاه پنجشنبه به پایتخت کویت رسیدند، گارد ریاست جمهوری حرکت می‌کرد که در جنگ با ایران نیز شرکت فعال

داشت. ارتش عراق پس از تصرف شهر کویت، در تقاطع‌های مهم پست‌های بازرسی مستقر کرد. نظامیان عراقی به روی هر اتومبیلی که به فرمان ایست آنها و قعی نمی‌گذاشت، آتش می‌گشودند. در برابر ارتش عراق مقاومت‌های پراکنده‌ای صورت گرفت، و در نتیجه در طول روز صدای انفجارها و شلیک تیر در شهر کویت به گوش می‌رسید. در شاه‌گاه پنجشنبه، عراقی‌ها کنترل شهر را در دست خود داشتند و قصر امیر کویت، فرودگاه بین‌المللی و بانک مرکزی این بقیه در صفحه ۲



تظاهرات کویتی‌های مقیم لندن در برابر سفارت عراق

حمله محتملی به مصوبات مجلس خبرگان

در جلسه ۲۷ تیر مجلس شورای اسلامی، علی‌اکبر محتملی نماینده تهران و سخنگوی جناح "خط امامی" به مصوبات اجلاس ۲۴ تیر ماه مجلس خبرگان حمله کرد. وی به ویژه قرارداد مسئولیت رسیدگی به صلاحیت نامزدهای عضویت در مجلس خبرگان بر عهده شورای نگهبان را مورد انتقاد قرار داد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تصمیم‌گیری درباره مسائل مربوط به "رهبری"، از جمله سپردن "ولایت فقیه" به این یان آخوند، بر عهده مجلس خبرگان قرار دارد که خود از تعدادی آخوند تشکیل می‌شود. طبق روال قبلی، آخوندهایی که می‌خواستند عضو این مجلس

گفت که چند ماه دیگر، دوره هشت ساله مجلس خبرگان به پایان می‌رسد و این جلسه، آخرین اجلاس مجلس خبرگان بوده است. وی افزود: "یکی از مهمترین مسائل مطرح شده مسئله تایید صلاحیت علمی، اخلاقی و سیاسی بقیه در صفحه ۳

پیرامون اجلاس اخیر اوپک

گرفتن سهمیه‌ای معادل ۱/۵ میلیون بشکه در روز، قول داده است که دیگر از مقررات اوپک تخلف نکنند و به تولید اضافی نپردازد. کویت و امارات متحده عربی تا پیش از اجلاس اخیر مقررات اوپک را رعایت نمی‌کردند، به طوری که علیرقم توافق ماه مه اوپک در تعیین سقف تولید ۲۲/۱ میلیون بشکه در روز، تولید نفت اوپک گاه تا ۲۳/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یافت و قیمت نفت راتازیر ۱۴ دلار پایین برد.

عراق در اجلاس ژنو می‌خواست قیمتی معادل ۲۵ دلار تعیین شود، اما به بشکه‌ای ۲۱ دلار رضایت داد. آقازاده وزیر نفت ایران اظهار امیدواری کرد که اعضای اوپک، تصمیمات اجلاس اخیر را رعایت کنند. سخنگویان شرکت‌های نفتی غربی می‌گویند در صورت اجرای تصمیمات ژنو، میزان نفت تولیدی اوپک کمتر از تقاضا در بازار جهانی خواهد بود و به افزایش قیمت نفت خواهد انجامید.

وزیران نفت اوپک دو گروه ناظر را تعیین کردند تا اطمینان حاصل شود که کلیه اعضای اوپک سهمیه‌های تولید را رعایت بقیه در صفحه ۲

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در اجلاس وزرای نفت این کشورها در ژنو تصمیم گرفت بهای هر بشکه (۱۵۹ لیتر) نفت را از ۱۸ به ۲۱ دلار افزایش

در این شماره

★ آدامه موضوعیهای خوش بینانه در مورد

صلح میان ایران و عراق

در صفحه ۲

★ وقتی خلخال مصاحبه می‌کند

در صفحه ۳

★ شکستن یک تابوی دیگر

در صفحه ۳

★ باید وام گرفت یا نه؟

در صفحه ۴

★ تجربه وحسرت سالهای گذشته

در صفحه آخر

★ "سوسیالیسم" مرد، زنده باد سوسیالیسم

در صفحه ۶

★ شرکت‌های چند ملیتی - فرامی‌تبی - ماورای ملیتی

در صفحه آخر

★ اهمیت انرژی خورشیدی در دنیای فردا

در صفحه ۵

★ خوگیری به الکل: وراثت یا زمینه‌های اجتماعی؟

در صفحه ۷

عراق کویت را اشغال کرد

بقیه از صحنه اول:

کشور را تصرف کرده بودند. تا ساعت ها پس از تصرف کویت توسط عراق یک ایستگاه رادیویی وفادار به دولت صباح کماکان مردم کویت را به مقاومت در برابر متجاوزین فرامی خواند. تلفات کویت بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر گزارش شده است.

ادعای رسمی دولت عراق این است که به کمک یک "دولت موقت" شتافته است که با کودتا قدرت را در دست گرفت. بیانیه "شورای فرماندهی انقلاب عراق" حاکی است دولت عراق "به محض برقراری آرامش و طرح خواست عقب نشینی از سوی دولت موقت آزاد"، نیروهای خود را از کویت فرا خواهد خواند. دولت امیر کویت از محل نامشروعی به فرستادن پیام برای مردم این کشور ادامه می دهد. قرار است روسای شش کشور حضور شورای همکاری خلیج (کویت، عربستان، قطر، امارات، بحرین و عمان) برای هماهنگی اقدامات خود علیه عراق گردد.

دولت موقت "طرفدار عراق روی فرستاده ای که فرانکس آن تا به حال در کویت شنیده نشده بود، اعلام کرد که پارلمان کویت را منحل کرده است و به محض تأمین ثبات، انتخابات برگزار خواهد کرد.

تشنج میان عراق و کویت در ۱۷ ژوئیه (۲۶ تیر) آغاز شد. صدام حسین در آن تاریخ، کویت را متهم کرد با پیشروی در خاک عراق، دست به دزدی نفت عراق زده است. دیکتاتور عراق همچنین دست به حملات شدیدی به کویت و امارات متحده عربی به علت تخلف این دو کشور از نظام سمیه بندی اوپک زده بود.

تا یک روز پیش از حمله عراق به کویت، نمایندگان دو کشور در شهر جده عربستان مذاکره می کردند. این ملاقات در روز چهارشنبه اول اوت (۱۵ مرداد) بدون نتیجه خاتمه یافت. هیات های نمایندگی دو طرف بدون صدور بیانیه ای به کشورهای خود بازگشتند. در همین روز، مرز کویت و عراق بسته شد. روزنامه های دولتی بغداد روز چهارشنبه بار دیگر تأکید کردند که کویت باید برای حل اختلاف ۲/۴ میلیارد دلار به عراق بپردازد و علاوه بر این، از پس گرفتن کمک های خود به عراق در طول جنگ با ایران که سر به میلیارد ها دلار می زند، چشم پوشی کند.

موضعگیری

جمهوری اسلامی

وزارت خارجه جمهوری اسلامی که از هنگام آغاز تشنج میان عراق و کویت سکوت اختیار کرده بود، در شامگاه پنجشنبه ۱۱ مرداد بیانیه ای منتشر و در آن، تجاوز عراق به کویت را محکوم کرد. وزارت خارجه ایران، این تجاوز را محکوم و اعلام کرد که امنیت منطقه دانست و افزود تجاوز عراق احتمال دخالت قدرت های خارجی را افزایش می دهد. در این بیانیه بر لزوم حل اختلافات از طریق مسالمت آمیز تأکید شده است. در همین حال این بیانیه یادآوری می کند که کویت در طول جنگ عراق با ایران همواره از عراق حمایت کرد.

لحن بیانیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی نسبت به عراق بسیار ملایم است. دولت جمهوری اسلامی کوشیده است تا با موضعگیری تند علیه عراق، واگذار شود.

وخامت روز افزون وضع مسکن

واگذار شود.

تنها اخیراً تعدادی از نمایندگان مجلس لایحه ای به مجلس پیشنهاد کردند که پیش بینی من کند دولت به تعیین قیمت خانه و زمین برای هر منطقه بپردازد و معاملات بر حسب این قیمت ها انجام گیرد. همچنین طرح دیگری از سوی گروهی از نمایندگان مجلس ارائه شده است که پیش بینی می کند واحدهای مسکونی افرادی که بیش از دو واحد مسکونی در اختیار دارند با قیمت تعیین شده از طرف خود دولت، توسط دولت خریداری و به افراد فاقد مسکن

پیرامون اجلاس اخیر

اوپک

(بر حسب یک هزار بشکه در روز):

۱۹۴۵	-	ونزوئلا
۱۵۰۰	-	امارات
۸۲۷	-	الجزایر
۲۷۳	-	اکوادور
۱۹۷	-	گابن
۱۳۷۴	-	اندونزی
۳۱۴۰	-	ایران
۳۱۴۰	-	عراق
۱۵۰۰	-	کویت
۱۲۳۳	-	لیبی
۱۶۱۱	-	نیجریه
۳۷۱	-	قطر
۵۳۸۰	-	عربستان

بقیه از صحنه اول:

می کنند. این گروه های ناظر بر تولید به ترتیب شامل هفت و شش عضو هستند. اعضای گروه نخست عبارتند از الجزایر، اکوادور، اندونزی، عراق، نیجریه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی. گروه دوم شامل گابن، ایران، کویت، لیبی، قطر و ونزوئلاست.

سمیه تولید هریک از اعضای اوپک از این قرار خواهد بود

کمک های مالی رسیده

از آلمان فدرال

کمک به کنگره

مونسٹر

کمک به کنگره

۲۰۰۰ مارک

ووپر تال

۲۰۰۰ مارک

برای چنین تجاوز هریانی وجود ندارد.

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا برای هماهنگ کردن موضع ایالات متحده و شوروی، روز جمعه سوم اوت هازم مسکو شد. رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده است که احتمالاً مناسبات دیپلماتیک با عراق را قطع خواهد کرد.

موشه آرنز وزیر دفاع اسرائیل اعلام کرد کشورش انتظار دارد عراق دست به تجاوز های دیگر نیز بزند، و از این رو اسرائیل آماده مقابله با عراق است.

موضعگیری چین نسبت به عراق ملایم بود. دولت چین اعلام کرد هم عراق و هم کویت را دوستان خود می داند، و افزود: "میان کشورهای جهان سوم، هیچ اختلاف بنیادین منافع وجود ندارد، و بنابراین هیچ یک نباید علیه دیگری به اسلحه متوسل شود."

خطر مداخله آمریکا

ناو هواپیما بر آمریکایی "ایندیپندنس" برای تقویت حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس، هازم این منطقه شد. جرج بوش رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده است که علیه عراق دست به هر اقدام ممکن خواهد زد. بوش گفت فعلاً طرح نظامی علیه عراق ندارد اما افزود: "اگر هم داشتیم درباره آن چیزی نمی گفتم."

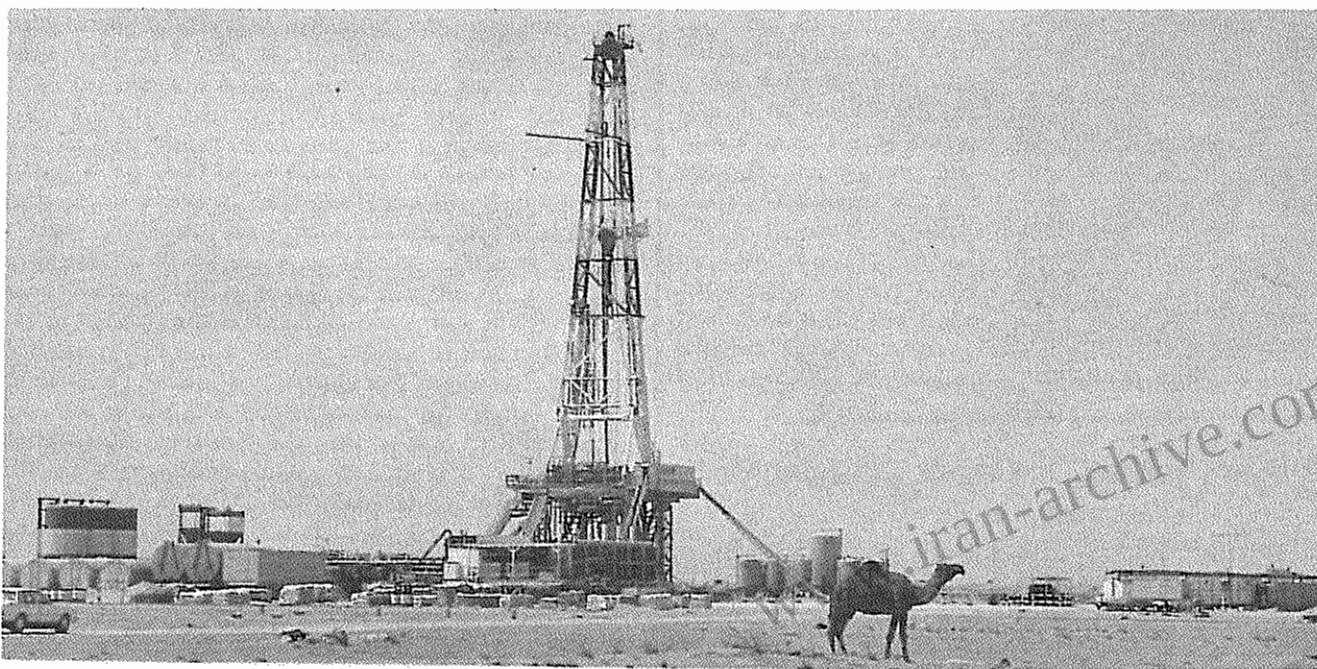
آمریکایی خواهد برای دفاع از "منافع حیاتی" خود در خلیج فارس دست به "هر اقدام ضروری" بزند. ناو هواپیما بر "ایندیپندنس" مدتی است در اقیانوس هند است و اکنون به سوی خلیج فارس حرکت می کند. با این حال یک سخنگوی پنتاگون گفته است که این ناو وارد خلیج فارس نخواهد شد. مقامات آمریکایی میگویند اکنون ایالات متحده با یک عمل انجام شده روبرو است و کار زیادی نمی تواند انجام دهد.

افزایش

قیمت نفت

به دنبال حمله عراق به کویت، قیمت نفت در حدود ۳ دلار افزایش یافت و در بازار اروپا به بشکه ای ۲۳ دلار رسید. ناظران پیش بینی می کنند بهای نفت به بشکه ای ۲۵ دلار و بیشتر خواهد رسید. نرخ دلار آمریکا بین یک تا دو درصد افزایش یافت زیرا در بازار جهانی نفت با دلار پرداخت میشود و خریداران نفت برای پرداخت بهای نفت باید دلار تهیه کنند.

مجموع ذخایر نفتی عراق و کویت، که اینک تحت کنترل رژیم صدام حسین است، حدود ۲۰ درصد کل ذخایر شناخته شده نفت جهان را تشکیل می دهد. مجموع استخراج این دو کشور، ۲۵ درصد تولید نفت در منطقه است.



ادامه موضعگیری های خوش بینانه

در مورد صلح میان ایران و عراق

مواضع مشترک دو کشور در اوپک تأکید کرد: "ما حاضریم، عراقی ها، لیبی و الجزایر حاضرند همدستی کنند و بگویند که ما نفت را کمتر از ۳۰ دلار نمی دهیم... آنها (عرب) از حربه تفرقه و دحوا و درگیری های ما استفاده می کنند و یک کمی بین ما و عراقی ها که آن روز شروع کردیم به حرف زدن و نامه نوشتن و در یک جهت حرکت کردیم شما می بینید که چه حرکت بزرگی اتفاق افتاد و نفت ۱۳ و ۱۴ دلار در همین چند روز به ۲۰ دلار رسید."

در تشنج میان عراق و کویت، جمهوری اسلامی سکوت اختیار کرد اما نزدیکی مواضع ایران و عراق در اوپک نشان داد که گرایش جمهوری اسلامی بیشتر به حمایت از عراق است.

هم زمان با این پدیده های مثبت، مقامات جمهوری اسلامی تأکید می کنند که در مورد نیروهای مسلح کماکان تصاداً سیاست دوره جنگ را دارند. رفسنجانی در سخنرانی خود در مجلس خبرگان تأکید کرد "باید بنیه نظامی کشور همچنان تقویت شود." همچنین حجت الاسلام رازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد: "با توجه به سیاست کلی ستاد فرماندهی کل قوا، در مورد فراریان زمان جنگ هیچ گونه افضاضی نخواهد شد... برقراری صلح هیچ گونه تأثیری در جرائم فراریان زمان جنگ نخواهد داشت و با فراریان و محکومین برخورد خواهد شد."

آنچه ولایتی به عنوان نکات مورد توافق وزرای خارجه دو کشور طی مذاکرات اخیرشان در ژنو بر شمرده شده است، از تفاهم هایی در باره نحوه پیشبرد مذاکرات در آینده فراتر نمی رود. علیرقم این عوامل محدود کننده امیدواری ها، انتظار می رود که جو مساعد موجود به پایان دادن به حالت نه جنگ و نه صلح فعلی، کمک کند.

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی طی نطقی در قم در مورد روند مذاکرات ایران و عراق گفت: "با ارسال پیام هایی بین روسای جمهوری دو کشور اینک مذاکرات در فضایی صمیمانه و در راستای تقاضای و اتفاق نظر نسبی پیش می رود." وی افزود: "در آخرین نشست وزرای امور خارجه دو کشور در ژنو طرفین حول سه محور حرکت در چارچوب قطعنامه، نظارت دبیر کل و نیز ارزیابی مثبت طرفین از سفر آینده آقای خاوری پز دو کوئینار به توافق و تفاهم رسیدند."

وزیر خارجه دولت رفسنجانی خاطر نشان کرد جمهوری اسلامی "از هر گونه ابراز حسن نیت مسئولین عراقی استقبال می کند و به آن پاسخ مثبت می دهد." ولایتی در همین حال تأکید کرد که دولت ایران تاکنون از هیچ یک از بندهای قطعنامه ۵۹۸ و مفاد قرار داد ۱۹۷۵ الجزیره عدول نکرده است.

همانطور که در شماره ۳۱۲ نشریه گزارش دادیم، رفسنجانی نیز در روز ۲۵ تیر در نطقی در مجلس خبرگان موضعی خوش بینانه در مورد آینده مذاکرات صلح اتخاذ کرد. وی گفت: "مجموعه مذاکرات مفید بوده است و انتظار می رود دو کشور به طرف صلح حرکت کنند و قرائن نشان می دهد عراقی ها نسبت به گذشته در مورد صلح مثبت تر برخورد می کنند. هم اکنون هم سفرای دو کشور در ژنو در حال مذاکره هستند و نظرات در محدوده قرارداد الجزایر به یکدیگر نزدیک شده است." رفسنجانی افزود: "حرکت به طرف صلح در منطقه تأثیر خوبی گذاشته است که تحول در قیمت نفت و ایجاد همکاری بیشتر بین کشورهای منطقه خلیج فارس از نتایج این حرکت است."

رفسنجانی همچنین در نماز جمعه ۵ مرداد بدون پرداختن به مذاکرات صلح در مورد تحولات بازار نفت در قبال عراق موضع آشتی جویانه ای گرفت و بر

پیگرد

طرفداران

منتظری

حجت الاسلام رازینی حاکم شرع "دادگاه ویژه روحانیت" طی سفری به مشهد اعلام کرد: "تحركات بقایای باند مهدی هاشمی تحت کنترل وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی قرار دارد که در صورت مشاهده هرگونه اعمال ضدانقلابی از سوی این افراد با آنها برخورد خواهد شد." رازینی افزود: "از بقایای باند مهدی هاشمی افرادی هستند که اعمال و تحركات آنها پیگیری و تحت کنترل می باشد." (کیهان ۳۱ تیر)

حاکم شرع "دادگاه ویژه روحانیت" تاکید کرد که اگر خمینی در زمان حیات خود دستور سرکوب گروه مهدی هاشمی را نداده بود، "جریان به حدی قوی بود که... پس از رحلتشان امکان مقابله با این باند وجود نداشت." این اظهارات، اشاره‌ای به روابط گروه مهدی هاشمی با منتظری و حمایت منتظری از این گروه است. از سخنان رازینی چنین برمی آید که هنوز سدهای از طرفداران منتظری به فعالیت‌هایی دست می زنند. رازینی در حقیقت با قلمداد کردن آنها به عنوان "بقایای باند مهدی هاشمی" دست به تهدید طرفداران منتظری زده است.

عمرداد

رئیس مجلس خبرگان در مورد تغییر مرجع تصمیم‌گیری پیرامون صلاحیت نامزدهای این مجلس گفت: "این به چند دلیل انجام شد یکی اینکه اساتیدی که در قم بودند در محظوظ اخلاقی شدیدی قرار داشتند و حیانا افرادی را که نمی‌خواستند، در محظوظ قرار گرفته و تایید می‌کردند. دوم اینکه برخی از اساتید بزرگ حوزه فاندیک سری بینش‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشند و از آنجا که افراد کاندیدا باید جدای از مراتب فضل، آشنایی به سیاست و مدیریت اجتماعی داشته باشند لذا در تایید افراد دچار اشتباهاتی می‌شدند."

مهمترین نکته مورد مخالفت جناح محتشمی در مصوبات خبرگان، سپردن تایید نامزدها به شورای نگهبان بود. محتشمی در نطق خود در مجلس شورای اسلامی، این امر را "خواه ناخواه دخالت تفکر خاص" دانست و افزود با این کار، "مجلس خبرگان به نماینده تفکر خاص تنزل می‌یابد." محتشمی گفت: "امام صراحتاً نسبت به دو جناح معتقد به حفظ تعادل هستند و به هر دو تذکرات تلخ و شیرین می‌دهند تا این تعادل حفظ شود در حالی که امروزه پایه‌گذاری یک جناحی شدن خبرگان دارد گذاشته می‌شود و این تضعیف خبرگان و خطری بزرگ است."

محتشمی همچنین تغییر محل اجلاس خبرگان را "خلاف آئین نامه و قوانین موجود خبرگان و خلاف نظر مقام معظم رهبری" دانست. در این مورد، بعداً مشکینی پاسخ داد که در آئین نامه قبلی مورد تایید خمینی، تغییر محل اجلاس در

حمله محتشمی به مصوبات مجلس خبرگان

بقیه از صفحه اول

صورت "هدم امکان" تشکیل آن در قم، پیش‌بینی شده بود. همچنین خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول محمدی گلپایگانی مسئول دفتر خامنه‌ای نوشت محل جدید اجلاس مورد موافقت خامنه‌ای بوده است: "مگر می‌شود چنین جلسه با عظمتی در کنار بیت ایشان بدون اجازه معظم‌اله تشکیل شده باشد؟"

نطق پیش از دستور ۲۷ تیر محتشمی، واکنش تند طرفداران شورای نگهبان و به ویژه روزنامه رسالت را برانگیخت. از آنجا که برای نخستین بار، یک نماینده مجلس شورای اسلامی در یک نطق هتلی، مجلس خبرگان را مورد حمله قرار می‌داد، روزنامه رسالت متقابلاً لحن بسیار تندی علیه محتشمی به کار برد. از جمله محتشمی متهم شد که دشمنان جمهوری اسلامی را شاد کرده است. در روزنامه رسالت شماره ۲۸ تیرماه، طی یک مطلب تحت عنوان طنز، از قول یک فرد فرضی مخالف جمهوری اسلامی نوشته شد که محتشمی، "نمایند رادیکال و ضدامپریالیست تهران در نطق قبل از دستور خود... جمهوری اسلامی را له کرد، در مقابل رهبر ایستاد، پدر خبرگان را درآورد، شورای نگهبان را دود کرد."

موحدی کرمانی نماینده دیگر تهران در مجلس شورای اسلامی و از وابستگان به جناح مقابل جناح محتشمی، در پاسخ به او گفت: "فقه‌های شورای نگهبان افرادی هستند که هم مجتهد و هم عادل هستند. کسی که به نظر امام هم مجتهد و هم عادل باشد، از یک

شکستن

یک قابوی دیگر

محتشمی سخنگوی جناح تندروی حزب الله، یک "تابو"ی دیگر را شکسته و به مصوبات اخیر مجلس خبرگان حمله کرده است. تا به حال این مجلس مانند "رهبر" برای سیاستمداران جمهوری اسلامی در هاله‌ای از "تداست" قرار داشت و تعرض به این حریم، معمول نبود. واکنش‌های تند جناح رسالت و جناح رفسنجانی در مقابل حملات محتشمی، در حقیقت واکنش نسبت به این سنت شکنی است.

نگرانی محتشمی بیهوده نیست. اگر قرار باشد در آینده، صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس خبرگان را فقه‌های شورای

نگرانی محتشمی بیهوده نیست. اگر قرار باشد در آینده، صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس خبرگان را فقه‌های شورای

جوان انتخاب کرده‌اند؟ اما حساسیت آخوندها در مورد مجلس خبرگان آینده، که تنها مسئولیت آن، تصمیم‌گیری در باره رهبری است، نشان می‌دهد که خود آنها نیز به تداوم ولایت خامنه‌ای اطمینان کامل ندارند. سخن نه بر سر مرگ طبیعی یا غیر طبیعی خامنه‌ای، بلکه بر سر سر نوشت سیاسی او است. خامنه‌ای هنوز نتوانسته است از زیر سایه سلف بیرون بیاید. او هنوز حتی یک تصمیم نگرفته است که نشان دهد واقعا "رهبر" است و کاری دیگر به جز تکرار حرف‌های خمینی از او برمی‌آید. خود آخوندها هم این را می‌دانند. چندی قبل ۲۹ تیر تم گفت: "این یکی از الطاف خداوند بود که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در زمان حیات حضرت امام انجام شد." این سخن، تأیید تلویحی این واقعیت است که خامنه‌ای، توان و اعتبار لازم برای اتخاذ چنین تصمیم مهمی ندارد. همچنین، رازینی حاکم شرع "دادگاه ویژه روحانیت" حضرت امام (ره) در رابطه با باند مهدی هاشمی قدم



اجلاس هشتم مجلس خبرگان در روزهای پایانی تیرماه در تهران برگزار شد. مشکینی، رئیس، و رفسنجانی، عضو هیئت رئیسه این مجلس، در جلو نشسته‌اند.

جناح اندی یعنی چه؟ آخوند دیگری به نام مومن که او نیز به جناح رسالت نزدیک است، در مورد انتقادات محتشمی گفته است که این حملات "باید از روی غرض و مرض باشد. کسی که معترض این مسئله می‌شود معنایش این است که تشخیصی که حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) در مورد اینکه فقه‌های شورای نگهبان عادل و آگاه به مقتضیات امور هستند را قبول ندارد."

عطاالله مهاجرانی معاون پارلمانی رفسنجانی و نویسنده مقاله معروف "مذاکره مستقیم" نیز به نطق محتشمی حمله کرد و محتشمی را متهم به "کم‌اطلاعی و پر مدهایی" نمود.

صادق خلخالی عضو مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه‌ای به دفاع از محتشمی پرداخت. خلخالی مطلب طنزآمیز رسالت را "مسخره‌بازی زنده" خواند و خواهان "تادیب و تعزیر" نویسنده آن شد. وی گفت: "اگر مطالبی را که شورای نگهبان می‌گوید درست باید قبول بکنیم و حضرت امام مثلاً این جور بوده... اصلاً منجر به (تشکیل مجمع) تشخیص مصلحت نظام نمی‌شد." خلخالی در مورد تغییر مرجع تایید نامزدهای

خمینی در اواخر عمر خود، همه کارهایی را که مهم تشخیص می‌داد، یعنی برقراری صلح، کشتار زندانیان سیاسی، عزل منتظری و قلع و قمع طرفدارانش را انجام داد زیرا می‌دانست که جانشین‌اش از عهده این کارها بر نخواهد آمد.

با "رهبر" ضعیفی مانند خامنه‌ای، طبیعی است که آخوندها در مورد آنچه در آینده پیش خواهد آمد، اطمینان کامل نداشته باشند و بگویند که به اکثرون، مواضعی اشغال کنند که به آنها بیشترین میزان از تاثیرگذاری بر دوران پس از خامنه‌ای را هم بدهد.

در مورد مجلس خبرگان، بر گهای برنده در دست جناح حزب اللهی‌های خط امامی مانند محتشمی نخواهد بود. آنها بیشتر در میان آخوندهای جوان‌تر و حزب اللهی‌های غیرآخوند طرفدار دارند تا در بین "مجتهدین". سپردن تشخیص "مجتهد" بودن نامزدهای خبرگان به شورای نگهبان، کار محتشمی و یارانش را دشوارتر می‌کند. هر چند مشکینی رئیس مجلس خبرگان کوشیده است به امثال محتشمی دل‌داری بدهد که مادامه شمول شرط "صلاحیت" را برای نمایندگی در مجلس خبرگان گستره‌تر کرده‌ایم، اما به نظر می‌رسد سخن جنتی مبنی بر اینکه با تصریح بیشتر در مورد شرط "اجتهاد"، سدهای ورود به مجلس خبرگان فیرقابل عبورتر شده‌اند، به واقعیت نزدیک تر باشد.

وقتی خلخالی مصاحبه می‌کند

روزنامه کیهان، در شماره ۳۱ تیر، نصف یکی از مهمترین صفحات خود را به افاضات خلخالی در دفاع از محتشمی و علیه جناح رسالت و مهاجرانی معاون رفسنجانی اختصاص داده است. نگاهی به بخشهایی از این مصاحبه خالی از لطف نیست.

در دفاع از محتشمی: "مقرر شده بود که اگر امام یک مطلبی را فرمودند فقط از طریق حاج احمدآقا ابلاغ بشود به آقای محتشمی و ایشان هم به نماینده یا ارگانه‌ای دیگر بگویند... حالا این امین مسئولیت او بیشتر شد آمد و از طرف جمهوری اسلامی ایران سفیر بود در شام (یعنی سوریه - اکثریت) تنها سفیر در شام نبود بلکه تمام آن منطقه را ایشان بررسی و گزارش می‌دادند و در این راه چهار عضو خودش را از دست داده، دست راست و چپ، یک چشم و یک گوش خودش را از دست داده، خلخالی نخست از این گله می‌کند که چرا مومن، عضو فقه‌های شورای نگهبان، گفته است که محتشمی "فرض و مرض" دارد؟ ایشان... باید این را اثبات بکنند، چه فرضی و چه مرضی؟... فلاطی به من نگاه کرد، نظرش معترضانه بود، توی این نگاهش یک مسائلی خوابیده بود، اینها استنباط است... اگر دلیل و شاهد نداشته باشد این حرف نادرستی است... اما زیاد طول نمی‌کشد که حاج آقا از کوره در می‌رود: "اینهمه الم شنگه درست کردن معلوم می‌شود یک جایتان درد می‌کند. آدم نمی‌داند شما چه مرضی دارید... شما مزاجا یک آدمی هستید که با رهبر هم می‌خواهید در بیافزید، کما اینکه در افتادید. شما ماهیت خودتان را نشان دادید."

عطاالله مهاجرانی هم از الطاف حاج آقا بی‌نصیب نمی‌ماند: "به توجیه که مقاله می‌نویسی... در رابطه با آقای خزلی در مجلس شورای اسلامی گفتی آقای خزلی حرف پراکنی می‌کنید. موضع شما این جور بود، علیه شورای نگهبان یا علیه آقای خزلی... حالا مدافع صد درصد شورای نگهبان شدی. آدم اینجوری می‌فهمد که شما یک طرفدار هستی که از هر کجا... به آسمان بیندازی چهار دست و پا به زمین می‌آید... حضرت آیت الله خامنه‌ای از خودشان مایه گذاشته برای آبروی شما، شما هم دوباره باز جای دیگر بازی در می‌آورید."

رییس کل بانک مرکزی :

ظرف پنج سال ۱۷۵ میلیارد دلار وام می گیریم

دشمنی تراشی کرد. (کیهان ۲ مرداد)

سپس رئیس جمهوری اسلامی در ملاقات با سفرا و کارداران ایران در خارج از کشور به دفاع از سیاستهای اقتصادی دولت و «برنامه ۵ ساله» که در آن گرفتن وام از خارج پیش بینی شده است، پرداخت و گفت: «این برنامه پس از تمهید و تنظیم توسط حضرت آیت الله خامنه ای در زمانی که در سمت ریاست جمهوری بودند به محضر امام خمینی (ره) تقدیم و ایشان آن را تصویب نمودند... امروز سیاست ما بر اساس همان برنامه پنج ساله استوار است و محور سیاست رسمی سازندگی کشور به حساب می آید. البته طبیعت آزاد جامعه می طلبد که افرادی با این سیاست ها مخالف باشند ولی مسلما سیاست قطعی جمهوری اسلامی سیاست دشمن تراشی نخواهد بود.» (کیهان ۳ مرداد)

رئیس جمهوری در همین سخنرانی تاکید کرد که «با کشورهای اروپایی به فیراز انگلیس مشکل کلی نداریم.»

صادق خلخالی نماینده مجلس ملی مصاحبه ای که در کیهان ۳۱ تیر چاپ شد، جانب محتشمی را گرفت. وی خطاب به عطاالله مهاجرانی معاون رفسنجانی و نویسنده مقاله معروف «مذاکره مستقیم» در اطلاعات، که پس از نطق محتشمی در مقاله دیگری از او انتقاد کرده بود، گفت: «آقای محتشمی یک حرفهایی دارد که شما نمی خواهید آنها را بفهمید، می گوید بانک جهانی همیشه موجب اسارت ملت ها بوده، صندوق بین المللی پول همین جور بوده... آمریکا یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی.»

اقتصادی کشورهای نیازمند به وام ارائه می گردد در چند دهه اخیر توانسته اند غالب کشورهای را که از این پیشنهاد استقبال کرده اند به دام سرمایه داری جهانی گرفتار نمایند. (کیهان ۲۷ تیر)

پس از حملات محتشمی به سیاست دولت، خود رفسنجانی نیز بدون ذکر نام محتشمی چندین بار ضمن حمله متقابل به او، از مشی کابینه خود دفاع کرد. وی فردای نطق محتشمی گفت: «یکی از استکبار جهانی در باره امام این است که به گونه ای القا کند که تفکر، زندگی و مشی امام مستلزم فقر، عقب ماندگی و خرابی است... در کشور ما همه آدم های نادان، یا خیلی نادان و یا خیلی رند، ویرانه ای می خواهند تا جغدگوت ناله کنند و اسم این را «روح» می گذارند.» (کیهان ۲۸ تیر)

چند روز بعد، رفسنجانی در ملاقات با ائمه جمعه استان تهران اظهار داشت: «پیگرایان می خواهند که کشور به صورت افراطی ترین کشورهای کمونیستی اداره شود و متاسفانه همه ای از بچه های خوب و خالص مسلمان... قریب این جریان ها را می خورند... اسلام هیچوقت نخواست است که مردم در تنگنا زندگی کنند و اگر کسانی می گویند که مردم با فقر و جمل و مرض می سازند سخن به درستی نگفته اند... مبنای سیاست خارجی ما دشمن تراشی نیست، زیرا دنیای امروز همانند ادوار قاجاریه و پانزده نیست و عصر امروز عصر مجامع بین المللی و ارتباطات است و اگر ما ارتباطات خود را قطع کنیم، نمی توانیم زندگی کنیم و نباید بی جهت

بقیه از صفحه اول

تائید کرد. وی در پاسخ به حملاتی که نمایندگان جناح تندرو و به ویژه محتشمی به نزدیک تر شدن همکاری دولت ایران با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی کرده بودند، گفت: «نظراتی که صندوق برای این کشورها (کشورهای عضو که مایل به گرفتن وام هستند) می دهد برای این است که این کشورها توانا بکند تا پولی که می دهد بازپرداخت کنند، نظر سیاسی نمی دهد.» (همه نقل قول ها از کیهان ۳ مرداد)

هلی اکبر محتشمی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در جلسه ۲۷ تیر این مجلس گفته بود: «اقتصاد ایران از نیمه دوم سال گذشته وارد مرحله جدیدی گشته، میانجی گری صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای ایجاد زمینه استقبال از سرمایه داری جهانی و سرمداران آنها یعنی آمریکا و اروپای غربی برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال گذشته صورت گرفته است. این دو نهاد بین المللی از ابتدای تاسیس رسالتی جز انتقال پیامهای سرمایه داری غرب به کشورهای جهان سوم رانداشته اند، به عنوان مثال کارشناسان آنان در بررسی اخیر خود از اقتصاد ایران پیشنهادهای ثابتی چون کاهش ارزش پول داخلی، حذف سوبسید، واگذاری کارخانجات دولتی به بخش خصوصی، آزاد نمودن تجارت خارجی، آزادی ورود شرکتهای چندملیتی و خارجی برای سرمایه گذاری در داخل کشور را برای ایران نیز ارائه نموده اند. این پیشنهادها که برای سرمایه داری نمودن سیستم



تنگنای ارزی و چاپ بی پشتوانه اسکناس، ریال ایران را آتندر بی ارزش کرده است که در خیلی از موارد روزمره باید بسته های اینچنین اسکناس رد و بدل کرد.

گزارش بانک مرکزی در مورد تورم

مرکزی تنها به این اکتفا کرده است که بیافزاید شاخص های پوشاک و مسکن رشد داشته است. این رشد، در تهران گاه تا ۵۰ و ۱۰۰ درصد است. بهای خانه و اجاره بها ظرف یک سال گذشته به شدت افزایش یافته است.

رفسنجانی طی نطقی در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی در خارج گفت «مشکل ریالی» دولت رفع شده و از ورشکستگی کارخانجات جلوگیری به عمل آمده است. اخیرا دولت به طور متوسط هزار تومان به حقوق بازنشستگان افزوده است.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی گزارش داد شاخص بهای کالاهای مصرفی در دو ماهه اول سال جاری به رقم ۳۴۵/۸ رسیده که این رقم ۴/۹ درصد بالاتر از متوسط دو ماهه اول سال قبل است. در دو ماهه اول سال ۱۳۶۸ این شاخص ۳۹/۸ درصد بالاتر از متوسط دو ماهه اول سال ۱۳۶۷ بود. به گزارش بانک مرکزی، این کاهش نرخ تورم ناشی از کاسته شدن از بهای برخی اقلام خوراکی نظیر گوشت و میوه و سبزی های تازه است. متوسط شاخص بهای خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات معادل ۸ درصد نسبت به دو ماهه اول سال ۱۳۶۸ کاهش نشان می دهد. بانک

در خاشیه بحث های ایزامون و امه ای خارجی

باید وام گرفت یا نه؟

ارزی کشور پس از کسر شدن هزینه های سنگین تسلیحاتی می ماند، توسط سرمایه دارانی که با مقامات دولتی زد و بند دارند، حیف و میل می شود. اگر گاه به گاه گوشه هایی از دزدی ها بر ملا شود، فقط در چارچوب رقابت های جناحی است. قاعده این است که آخوندها و اهوان و انصارشان با اتکا به حکومت سر نیزه، هر چقدر بتوانند بدزدند و ببرند، هیچ حساب و کتابی نیست. چنین رژیمی، به دلارهای صندوق بین المللی پول همان بلایی را خواهد آورد که حکومت های فاسد در آمریکای لاتین و آفریقا آورده اند. وام و اعتبارات بین المللی، در چاه ویلی سرازیر خواهد شد که تا استبداد هست، باقی خواهد بود.

صندوق بین المللی و بانک جهانی، در گذشته برای دادن وام و اعتبار به کشورها، ضوابط تعیین شرایط اقتصادی مانند تقویت بخش خصوصی، حذف کسر بودجه و فیره اکتفا می کرد. اگر چنین شرایطی از سوی رژیمی مانند حکومت پینوشه هم برآورده می شد، سرکوبگری چنین حکومتی نه تنها مانعی در دادن وام به آن به حساب نمی آمد، بلکه وجود دیکتاتوری در این کشورها خود یک «عامل ثبات» محسوب می شد که طبق محاسبه قرب، بازپرداخت وام ها محتمل تر می کرد.

اما دیگر این حسابها درست از کار در نمی آید. در همه جای دنیا دیکتاتوری یعنی فساد دولتی، یعنی رشوه خواری، یعنی اختلاس و زدوبند.

به ویژه در ایران ما، امر دمکراسی با امر رشد اقتصادی به دلایل بسیار گره خورده است، از جمله به این دلیل که تا این رژیم خودکامه وجود دارد، در جامعه اعتماد لازم برای کار و فعالیت شمرخش، از جمله کار و فعالیت شمرخش اقتصادی، به وجود نخواهد آمد و صدها هزار نفر نیروی متخصص و کارآمد ایرانی از هرگونه دلگرمی برای خدمت به کشور محروم خواهند ماند.

لازم است این امر را به یاد داشته باشیم تا دچار این توهم نشویم که اگر هم رفسنجانی و کابینه اش در گرفتن وام از خارج موفق شوند، این مبالغ تغییر چشمگیری در وضع زندگی مردم خواهد داد. به همان نسبت که حکومت جنایت و جمل تداوم یابد، هواملی که از شمربخشی کمک های خارجی می کاهند و آنها را در آینده به قیدهای اسارت آور تبدیل می کنند، به جای خود باقی خواهند بود.

یک سوال

یک جواب

«ما اساسا باید به این سؤال پاسخ بدهیم که آیا در صحنه بین المللی حضور فعال داشته باشیم یا نه؟ من پاسخم به این سؤال این است که سؤال، سؤال فطلی است، زیرا ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در صحنه بین المللی قرار گرفته ایم.»

هادلی رئیس بانک مرکزی در سمینار «موسسه تحقیقات پولی و بانکی»

به نقل از کیهان، ۳ مرداد ۱۳۶۹

اکثر کشورهای متحد آن، چه در اروپا و چه در جهان سوم، تا همین چند سال پیش در برابر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، موضع مخالفت و تحریم داشتند. وقتی مجارستان در اوایل دهه ۸۰ تصمیم گرفت به عضویت بانک جهانی درآید، این تصمیم با مخالفت های فلتی و شدید شوروی، آلمان شرقی و سایرین روبرو شد.

اما اکنون چهره جهان تغییر کرده است. دیگر کمتر کشوری است که مایل به همکاری نزدیک با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نباشد. سابقه این موسسات در تحمیل سیاستهای افراطی محافظه کارانه به کشورهای جهان سوم، ظاهرا دیگر کسی را از کمک خواستن از آنها باز نمی دارد.

در مورد ایران، حساب روشنی وجود دارد: درآمد ارزی کشور ما در خوش بینانه ترین پیش بینی ها معادل ۲۰ میلیارد دلار در سال برآورد می شود. تنها بازسازی خرابی های مناطق جنگ زده، به دهها میلیارد دلار بودجه ارزی نیاز دارد. باتوجه به اینکه هرسال بخش بزرگی از درآمد ارزی ایران صرف واردات مواد غذایی و سایر کالاهای مورد نیاز جاری می شود، چیز زیادی برای اختصاص به بازسازی پس از جنگ نمی ماند. در این شرایط هدم گرفتن وام خارجی به معنای طولانی تر کردن باز هم بیشتر بازسازی و ریاضت کشی جنگی است که هلی رفم پایان جنگ، هنوز ادامه دارد.

اما کدام تضمین وجود دارد که آغاز گرفتن وام های کلان از قرب، برای کشور ما آغاز همان دایره تسلسلی نباشد که سالهاست گریبان دهها کشور جهان سوم را گرفته است: اخذ وام، هدم استفاده موثر و پرراندن آن، در نتیجه هدم توانایی بازپرداخت وام، افزوده شده بهره به اصل وام، وابسته تر شدن به منابع وام دهنده، اخذ وام هایی که دیگر صرفا برای پرداخت وام های قبلی مورد استفاده قرار می گیرند، و...

به راستی کدام تضمین علیه مبتلا شدن به سرنوشت مکزیک و نیجریه که از قضا، هر دو نیز مانند کشور ما نفت خیز هستند، وجود دارد؟

پاسخ، روشن است: تا وقتی جمهوری اسلامی هست، هیچ تضمینی!

رژیم جمهوری اسلامی یک حکومت فیر دمکراتیک است که افکار همومی جامعه کنترلی بر تصمیمات آن، از جمله تصمیمات مالی و اقتصادی، ندارد. بسیاری از آخوندها، تجار بزرگ و وابستگان به دستگاه دولتی بر منابع کشور ما چنگ انداخته اند. کسی نمی تواند آنها را به مواخذه بکشد. در مجلس، مطبوعات و سایر نهادهایی که معمولا باید وظیفه کنترل حکومت را بر عهده داشته باشند، کسی نیست که بپرسد این دستگاههای هریض و طویل سپاه و کمیته ها و وزارت اطلاعات و زندانها، که هر سال صدها میلیون دلار بودجه ارزی و صدها میلیارد ریال بودجه ریالی را می بلعند، به چه درد مردم می خورند. کسی نیست بپرسد ضحیتی به چه حق اموال مردم را به هادی ففاری بخشیده است. در جمهوری اسلامی، آنچه از ذخیره

اینکه باید برای تامین بخشی از هزینه های سنگین بازسازی اقتصاد پس از جنگ، از قرب وام گرفت یا نه، به یکی از موضوعات اصلی مورد اختلاف در هیات حاکمه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در یک سو، دولت رفسنجانی قرار دارد که در این مورد از حمایت جناح رسالت نیز برخوردار است، و در سوی دیگر، جناح «خط امامی»، که به آشکارترین شکل از سوی محتشمی نمایندگی می شود و اکثریت نمایندگان مجلس، فعلا از آن طرفداری می کنند. آنها مخالفت خود را با سیاست دولت رفسنجانی برای گرفتن وام از قرب فلتی کرده اند.

سخنان رئیس بانک مرکزی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی هنوز از صندوق بین المللی پول درخواست وام نکرده است و از «هرجا که به سود باشد» وام خواهد گرفت، نباید چیزی بیش از یک مانور تبلیغاتی در برابر حملات تندروها تلقی شود. هادلی رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی می داند که محتمل ترین منبع وام ایران، صندوق بین المللی پول خواهد بود. دولت رفسنجانی به همین منظور قصد دارد سهمیه ایران را در این صندوق افزایش دهد تا طبق مقررات صندوق بتواند از آن بیشتر وام بگیرد.

اگر هم در کنار صندوق بین المللی پول از منابع دیگر استفاده شود، این منابع خارج از چارچوب کشورهایی که تعداد آنها از شمار انگشتان دو دست تجاوز نمی کنند، نخواهد بود. دولت ایران باید برای تامین مخارج بازسازی دست کمک به سوی قرب دراز کند.

اگر ما سخنانی را که امروز مقامات دولت رفسنجانی درباره ضرورت گرفتن وام از قرب به زبان می رانند، پنج سال پیش می شنیدیم، به این موضوع در قالب تیتربهای درشت افشاگرانه صفحات اول نشریات خود می پرداختیم. اگر می خواستیم پنج سال پیش در این باره موضع بگیریم، احتیاج زیادی به فکر کردن نداشتیم. مسئله، روشن بود: رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، با خیانت به منافع ملی ایران، دست کمک به سوی کشورهای امپریالیستی دراز کرده است و باید این رسوایی را افشا کرد.

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، موسساتی وابسته به سازمان ملل هستند. اما بر خلاف سایر سازمانهای وابسته به سازمان ملل، در این موسسات اصل «هر کشور یک رای» حاکم نیست. دولت ها به تناسب سهمیه و حق عضویت خود در این موسسات اقتصادی بین المللی، در تعیین سیاست های آنها نقش دارند. از همین رو، طی دهه های گذشته، تعیین کننده ترین نیروی تصمیم گیری درباره اینکه به کدام کشورها از محل ذخایر و اعتبارات صندوق و بانک، وام و کمک داده شود، ثروتمندترین کشورهای سرمایه داری بوده اند. هر چند اخیرا نفوذ سایر کشورها در این موسسات افزایش یافته است، اما کماکان سیاست این ارگانها را بطور عمده بزرگترین کشورهای سرمایه داری تعیین می کنند.

از این رو، اتحاد شوروی و

۔ ماورای ملیتی

خشی آخر

و غیره چندین نمایندگی در خارج داشتند. اما آنچه که تازگی دارد، پدیده جدید آن یعنی شتاب گرفتن این بازیهاست. اشکال

کنونی آن به نیمه دوم ۱۹۶۵
ملیتی مربوط می‌باشد، در مورد
شرکت های چند ملیتی دیدیم
کچه انگیزه هایی موجب
استقرار آنها در خارج شد ولی در
مورد بانک های چند ملیتی بعلا
کمبود اطلاعات بر شمردن
این‌ها با مشکل بنظر می‌رسد، با
انگیزه می‌توان سه‌عامل عمده را
نام برد.

۱- دنبال نمودن مشتریان؛
دگرگونی عمده ساختار مالی
اقتصادی از اوایل ۱۹۶۵،

به همراه داشت. پول اکثر کشور
ها قابل تبدیل به دیگر پول ها شدند،
مبادلات بازرگانی به صورت
حیرت انگیزی گسترش یافتند و
اصلا خود پرو سه تولید بین المللی
شده وضعیت جهان گسترش

و مهاجرت کارگران و سفت یافت
بنابر این متوجه میشویم که یک
بخش عمده از مشتریان بانک ها
پیش المللی شدند. شرکت های چند
ملیتی، شرکت های صادراتی -
وارداتی، شرکت های خدماتی
بیش از پیش به عقد قرارداد
خارجی و فعالیت در خارج از
مرزهای کشورشان پرداختند.
کمک های دولتی و شبهدولتی
در جهت سمت دادن به اعتباراتی
برای صادرات و اعتبارات به

مشریان برای واردات و غیر منظور حمایت از گسترش بین المللی فعالیت های صنعتی و خدماتی فوق العاده افزایش یافتند. در نتیجه نیاز مالی مشتریان بانکها هم درگون شد. در فعالیت بانک ها هم دیگر نمی توانست بصورت اولیه یعنی در چارچوب عملیات ساده پس انداز، سپرده و وسیله پرداخت و اعتبار در بازارهای محلی و ملی محدود شود. بنابراین بانکها مجبور شدند باجانی شدن اقتصاد به دنبال مشتریانان بروند و در این راستا ایجاد ساختار مالی جدید بانکی هم احساس شد.

بانک ها در پی پول هستند؛
گسترش فوق العاده، بازار
نقدینگی بین المللی در بازار پولی
اروپا علت کسری مزمن تراز

پراخت های ایالات متحده از افزایش تقبلی بعضی از کشورهای صادر کننده نفت علت چهار برابر شدن قیمت نفت باعث شدند که بانک های بزرگ به گسترش و ایجاد موسسات بانکی خود در بازارهای سنتی مالی لندن، پاریس، توکنامبورگ، بیروت و بازارهای جدید مالی در آسیا (سنگاپور، هنگ کنگ، مانیل) در خاور میانه (بحرین) و در آمریکای لاتین (پاناما) مبادرت ورزند. بنابراین فرصت های استفاده از گردش دلار هاستلزم تقویت و استقرار بیشتر در خارج بود.

۳- اشباع بازارهای خودی و رقابت بین المللی؛
اشباع نسبی و تقریباً کامل بازارهای خودی یکی از عوامل تعیین کننده ای است که بانک ها را مجبور به جستجوی بسط بازار در بین المللی نمودن. این حکم شامل اکثر کشورهای سرمایه داری پیشرفته صنعتی می شود و بطور قطع تابع شرایط ویژه هر کشور هم بوده است. مثلاً ایالات متحده اولین کشوری بود که از نیمه دوم ۱۹۶۰ با حدت زیاد شروع به گسترش بانک های خود در خارج از مرزها نمود. در حالیکه این بانکها قبل از این تاریخ در خارج از مرزها تقریباً وجود نداشتند. علاوه بر این، به علت ویژگی های

باتوجه به موقعیت جغرافیائی
کشور ایران و آفتاب خیز بودن آن
و باتوجه به خطرناک بودن انرژی

است و فقط احتیاج به زمان دارد و
در آینده حل خواهد شد.
یک محقق انرژی خورشیدی

در سوئیس موفق به توسعه یک نوع سلول خورشیدی شده است که ۲۵ برابر ارزاتر از سلول‌های خورشیدی موجود در بازار می‌باشد. اگر امروز او در سوئیس موفق نشود فردا محقق دیگر در کشور دیگری موفق خواهد شد... نیمی از جمعیت جهان در دهات کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند و آنها از نعمت برق محرومند. برای دهات دورافتاده خارج از شبکه برق سراسری می‌باشند، انرژی خورشیدی تنها راه ممکن در راه بدست آوردن برق می‌باشد. انرژی خورشیدی را در موارد زیادی در کشورهای جهان سوم از جمله روستایی، شارژ کردن باتری، پمپاژ آب، ارتباطات تلفنی، ایجاد سرمایش، تهیه آب گرم برای منازل، ذخیره آب گرم، سیرین کردن آب‌های شور و بسیاری موارد دیگر می‌توان استفاده کرد.

مزایای تکنیک خورشیدی نسبت به روش‌های سنتی تولید برق چنین است: احتیاج به هیچ سوختی ندارد، مناسب با محیط زیست می‌باشد، نگهداری و سایل آن ساده است و سایل آن هم طولانی دارند. جهت روشن شدن مسئله انرژی خورشیدی چند مثال می‌زنیم:

- بیشتر از ۶۰۰۰ (شش هزار) پمپ‌های خورشیدی با نتیجه خیلی خوب تا بحال نصب گردیده‌اند، پمپ‌های مزبور هم در آبیاری، هم در امر تهیه آب آشامیدنی مشغول کار می‌باشند.
- در سال‌های اخیر حداقل ۲۰۰۰ یخچال که بوسیله انرژی خورشیدی کار می‌کنند تولید

شده‌اند و مشغول کار می‌باشند.
در یخچال‌های مزبور تولیدات
دارویی مثلاً واکسن و امثالهم
گهرداری می‌شود.

– در سراسر دنیا ده‌ها هزار لامپ
روشن می‌شوند که بوسیله انرژی
خورشیدی تغذیه می‌شوند، این
نوع روشنائی هم در خانه و هم در
مکان‌های عمومی مانند مدارس و
بیمارستان‌ها استفاده می‌گردد.
گامیای یکی از کشورهای آفریقایی
است که از مزایای انرژی
خورشیدی استفاده می‌کند، آقای
عمر صلاح
مرکز انرژی گامیای چنین
می‌گوید:

– دریافت رابطه “خورشید برق” یک مسئله مرگ و زندگی است. ما هر چه می‌گذرد بیشتر به‌یاد می‌آوریم و بیشتر متفاده می‌شویم که با کمک خورشید می‌توانیم بطور رادیکال وضعیت و وضعیت بهداشتی، ارتباطات تلفنی و آموزش را بهتر نماییم. گامیابی یکی از کشورهای غربی آفریقا است که از بازار مشترک کمکی جهت مبارزه با گسترش کبیر و صحراها دریافت کرد.

است. ۵۵ روستا، پمپ‌ها و خورشیدی دریافت کرده‌اند بتوانند آبیاری را بهتر کنند. بازار مشترک توسط بنیاد تحقیقات اروپائی در مجموع ۳۵ میلیون دلار برای ۱۳۵ سیستم پمپ‌ها و خورشیدی سرمایه‌گذاری کرده است.

ترجمه از

سعبا مراد - سه‌پد

— ۱۱۱ —

باتوجه به موقعیت جغرافیایی کشور ایران و آفتاب خیز بودن آن و باتوجه به خطرناک بودن انرژی اتمی برای بشریت و لذا احتمال استفاده بیشتر از نفت و در نتیجه بالا رفتن قیمت نفت، انرژی خورشیدی نقش بزرگی در آینده در دنیا بازی خواهد کرد. داشتن نفت و گاز فراوان نباید ما را اطفال نماید و به نقش انرژی خورشیدی اهمیتی ندهیم. تا آنجا که مترجم این مقاله می‌داند از سالهای ۱۳۵۲ در دانشگاه شیراز کارهای تحقیقاتی‌ای در این زمینه انجام گردیده است (البته کمک یکی از استادان گرامرتر ترمودینامیک دانشگاه شیراز) ولی گویا بعد از انقلاب ادامه کافی نیافته است. امید است با توجه به نقش انرژی خورشیدی در دنیا موسسه‌ای همچون موسسه انرژی اتمی جهت انرژی خورشیدی در ایران ایجاد گردد که به امر مهم جمع‌آوری اطلاعات و تحقیقات و گسترش انرژی خورشیدی در ایران بپردازد.

.....
مقاله زیر از نشریه "تکنیک نو"
چاپ سوئدترجمه گردیده است

مسئول تحقیقات در زمینه
انرژی خورشیدی در دانشگاه
فالن (بورلنگه) سوئد، آقای لارس
بورمن (Lars Borman) در
مورد انرژی خورشیدی چنین
می‌گوید:

"در سال ۲۰۰۰، انرژی
خورشیدی یکی از منابع مهم
تولید برق خواهد بود".
اظهارات
خوشبینانه او از جمله بر این پایه
استوار است که شرکت‌های بزرگ
شروع به قبول اهمیت تکنیک
سولهای جذب انرژی خورشیدی
نموده‌اند.

امسال شرکت‌های زیرمجموعه سولار
(Siemens Solar) و کانن
(Canon) شرکت آکرو سولارو (D
Acro Solar)

نقش رهبری کننده را در تولید پنل‌های خورشیدی (Paël Sun) در آمریکا دارند. این مسئله همچنین شامل این مسئله هم هست که توسعه و تکامل تکنیک سلول‌های خورشیدی از آمریکا به ژاپن و اروپا نقل مکان کرده است. هم‌اکنون آمریکا نقش خویش را بعنوان رهبری کننده در امر تولید و تحقیقات در مورد انرژی خورشیدی از دست داده است. آقای لارس بورهن معتقد است که انرژی خورشیدی در مقیاسی بزرگ در آینده نقش بزرگتری نسبت به انرژی خورشیدی در مقیاس‌های کوچک بازی خواهد کرد. یک قدم بزرگ در این زمینه را کشور ایتالیا برداشته است. در ایتالیا تا سال ۱۹۹۵ نصب ۲۵ مگاوات برق از طریق انرژی خورشیدی آغاز شده است.

سریع انرژی خورشیدی
خواهد شد، این مقدار تقریباً
اندازه کل تولید انرژی خورشیدی
سالانه در سراسر دنیا می باشد.
لارس پرومن اظهار می دارد
که بنظر می رسد امکان تولید برق
توسط انرژی خورشیدی در
مقیاس هزار مگاوات تا ۱۰ سال
دیگر وجود داشته باشد.
او اشاره می کند که هزینه چنین
ایستگاه انرژی خورشیدی ۳/۰
هزینه یک ایستگاه انرژی اتمی
می باشد. تاجال تولید برق توسط
انرژی خورشیدی گران بود
است. اما با کاهش قیمت

است و بی حال این مستی را بنام

در دیدن این سمت گیری ها نه تنها رقابت بین بانکهای ملی مرکشور برای جلب مشتری در خارج را تشدید کرد بلکه رقابت بین بانکهای کشوری مختلف را نیز شتاب بخشید. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که بین المللی شدن ساختارهای اقتصادی نه تنها ساختارهای صنعتی بلکه ساختارهای مالی را هم در بر گرفتند. این پدیده در نهایت منجر به این شد که بعضی از شرکت های صنعتی چندملیتی با بانکهای خودشان مبادرت ورزند؛ این سبب نیست که شنیده میشود که بعضی از بانکها در فلان کارخانه سهم دارند و یا دارای نگاهداری معام سازمانی هستند و یا در موسسه مالی وابسته به کارخانه اتومبیل سازی که برای بستن پاناش اعتباری گشاید تا مشتریانش اتومبیل بخرند. هویت دارند.

پدیده اخیر یعنی اقدام فعالیت صنعتی - بانکی در سالهای ۸۵ و ۸۶ سرعت زیادی یافت و در آینده هم بیشتر وسعت و عمق خواهد

یافت. این پدیده ما را به توجه بیشتر شرکت های چندملیتی از نوع چارم (تکنولوژی - مالی) می طلبد.

”عمل اساسی اولیه بانکها عبارتست از میانجیگری در پرداختها بدین مناسبت بانکها سرمایه پولی غیرفعال را به سرمایه فعال یعنی سودآور مبدل میکنند و انواع پولی را اختیار می کنند. آنرا در اختیار طبقه سرمایه دار می گذارند. بتدریج که معاملات بانکی توسعه می پذیرد و در دست همه کلیه افراد موسسات متمرکز می یابد، بانکها نیز نقش شده میانجیگری را راهبر کرده به صاحبان انحصار قدرتینی مبدل میشوند که تقریباً تمام سرمایه پولی جمع سرمایه داران و کارفرمایان کوچک و نیز قسمت اعظمی

از وسایل تولید و منابع مواد خارجی در یک کشور و در یک سلسله از کشورها را در اختیاری می گیرند . این جریان تبدیل عده کثیری از میانجیان ساده به مشتری صاحب انحصار یکی از پرونده های اساسی رشد سرمایه داری و رسیدن آن به مرحله امپریالیسم سرمایه داری است بدین جهت تمرکز معاملات بانکی از نکاتی است که ما باید مقدم بر همه آنها مورد ملاحظه قرار دهیم .^{۲۲} (۳)

(۳) نلین - منتخب آثار -
 به زبان فارسی - امپریالیسم
 به مثابه بالاترین مرحله
 سرمایه داری - صفحه ۴۵۱

درهین حال فقر و جنایت را نیز در مقیاس هژلیه بسط داد. اما در هین حال این نظام لاجرم آنتی خود را نیز در اندیشه ایجاد کرد: "جامعه‌ای تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل همگان است (مارکس) از آنجایی که اندیشه مزبور نه فقط آلترناتیو سیاسی و اجتماعی در برابر سرمایه‌دار بلکه درهین حال یک آلترناتیو اخلاقی نیز بود بس فراتر از جنبش کارگری در دوایر روشنفکران متره نیز برای خود جا باز کرد. شرایط هینی بسط‌اندیه سوسیالیستی محصول خود نظام سرمایه‌داری بو در آن هنگام نیز به‌مانند همیشه در تاریخ این خر واقعیت بود که نفی خود را ایجاد کرد. چه جهانی‌اول همه تضادهای اجتماعی را به انفعال سو داد. در چنین هنگامه‌ای بود که ابتدا در روسیه سپس در آلمان، اتریش، مجارستان، ایتالیا و سا کشورهای شاه‌علیه‌های انقلاب فوران کرد. امیدانسانهار که جمایع جنگ را پشت سر داشتند و آمادگی آنها را از خودگذشتگی هظیم بود. اما انقلاب تنها در روس توانست به پیروزی برسد و در سایر کشورها شدیدترین اشکال فاشیستی تروریستی لگدمال شد در یک سری کامل از کشورها به منظور دفع رادیکا همه‌خطرات انقلاب حکومت‌های فاشیستی مستا شدند: مجارستان سال ۱۹۱۹، ایتالیا ۱۹۲۲، لهستان ۱۹۲۷، آلمان ۱۹۳۳، اتریش ۱۹۳۴ اسپانیا ۱۹۳۶

بنابر این در سال ۱۹۱۷، صرف نظر از آنکه به‌لحا جهان بینی چه موضعی در برابر انقلاب اکت داشته‌باشیم، فصل نوینی در تاریخ جهانی آغاز شد تاآغاز قرن کنونی همه جهان تحت سیادت سرمایه‌داری قرار داشت. آنگاه دولتی تشکیل شدک تحت ابتدایی‌ترین شرایط برای تحقق یک آلترناتو بپا خواست. درست به‌همین خاطر محافل رهبر: جهان سرمایه‌داری دمی از تلاش جهت نابودی ابر آلترناتیو باز نایستادند. آنها به حق بیم داشتند که اگ روسیه موفق به تثبیت این آلترناتیو شود، جنبه کارگری در کشورهای آنها و جنبش‌هایی‌بخش در ممالک تحت سلطه استعمار در آن محرک و پشتیبار خود را خواهد یافت. همین هراس جنگ مداخله‌گرا: سالهای ۱۹۲۱- ۱۹۱۸ ۱۴ کشور سرمایه‌دار، علیه روسیه شوروی را بر انگیزت. هجوم فاشیست در جنگ جهانی دوم و جنگ سرد و سابقه تسلیحات و متعاقب آن نیز از همینجا سرچشمه میگیرند. ابر جنگ که نزدیک به ۷ سال ادامه داشت اکنون پایان یافته است. سرمایه‌داری به مثابه یک نظام جهانی در آتین جنگ پیروز شد. ین جنگ هژلیاتی قربانیار زیادی ببار آورده است. این قربانیان در ابتدا بشور فداکاری به بار آمدند. تا هنگام دفع هجوم فاشیست همین شور و فداکاری تعیین‌کننده رفتار توده بود. سپس، هنگامی که شور و فداکاری رخت پرست هر چه بیشتر روش‌های اداری، فرماندهی و سپه تخصصی جایگزین شد. همه اینها نشان آن بود ک جوامع سوسیالیستی قوی کافی نداشتند تا از عهد نبرد با قوای برتر سرمایه‌داری بر آیند. بسیاری ا کمونیست‌های دور اندیشی که ناهنجاری‌های جوامع سوسیالیستی را دریافته بودند تصور می‌کردند و امید داشتند که سوسیالیسم در یک محلت طولانی‌تر قادر شود خود را تثبیت کرده و بر ناهنجاری‌های خوا قلبه‌کند و مشخصه‌های اساسی خود را به تدریج هر چ بیشتر بسط دهد. این امید یک سراب بود پروسترویکای گورباچف نیز چیزی نیست جز امضای قرارداد این شکست و اعتراف به آنکه شوروی قادر به ادامه این نبرد نیست .

عوامل اجتماعی فرهنگی نیز در این شکست بی‌تاثیر نبودند. دمکراسی سوسیالیستی درواقع چیزی نیست جز تکامل دمکراسی بورژواویی، روسیه کشوری بود که در آن نه دوران روشنگری و نه تمدن بورژواویی نقش‌شایانی ایفا نکردند. کشوری که انقلاب بورژواویی را بر خود ندیده بود.

مارکس گفته بود، یک جامعه نوین تنها زمانی قادر است پدیدآید که جامعه کهنه همه قوای خود ر بسط‌دهد یا باشد. در روسیه سرمایه‌داری تازه آغاز به بسط قوای خود کرده‌بود. اما در آن هنوز جامعه بورژواویی وجود نداشت بلکه یک استبداد نیمه فئودالی با چند مرکز صنعتی و یک جنبش کارگری متشکل وجود داشت. این جنبش نیروی را رهبر انقلاب بود. اما نیمی از طبقه کارگر در جنگ داخلی از بین رفت. از هنگام پیروزی انقلاب اکتبر روزی نبود که اعضای جامعه شوروی بتوانند در آسایش قوای خود را بر ساختمان سوسیالیسم متمرکز کنند. البته همانطوره که در آغاز مقاله متذکر شدم فرایند تاریخی، یک روند مکانیکی نیست و همواره آلترناتیوهای اجتماعی - سیاسی نیز موجودند. اما این آلترناتیوها، یعنی هلنیت بی‌محایا در نمایش وضعیت واقعی و هلل پیدایش این وضعیت و بسج دمکراتیک توده‌ها بر پایه این واقعده‌نگری مورد بهره‌برداری قرار نگرفتند. برعکس راه اداری - فرماندهی و تبیینی در پیش گرفته شد که ظاهرا آسانترین راه بود و با سنت‌های روسیه انطباق داشت. راه دیگر هبات از گلاسنوست بود. یعنی دوربینی، صداقت و دمکراسی. واین مشخصه دومین بعد سیاست‌گارباجف است. این سیاست نه فقط به‌معنای امضای قرارداد شکست بلکه در هین حال تلاش‌یست برای آن که در این آخرین لحظات راهگشای تصحیح راه گردد تا لاقل برخی شرایط پایه‌ای تکامل سوسیالیستی را اجات دهد.

اکنون از آنچه گفته شد چه چشم‌اندازی حاصل می‌آید؟ کدام ضرورت‌ها روشن می‌شوند و چه باید کرد؟

بشریت در برابر تصمیم بی‌اندازه هژلیمی قرار دارد. دانش و توان انبوهی که طی سلسله‌گردآمده است امروز برای از بین بردن قملی فقر و گرسنگی در همه جهان کفایت می‌کند. اما بر زمینه سرمایه‌داری و با ابزار جوامع سرمایه‌داری این مشکل قادر به حل‌شدن نیست. این نظام تاکنون

"دولت" هنوز ضروریست، اما این دولت یک دولت گذار است نه دولت به معنای اخص‌کلمه، زیرا پایین نگاه داشتن اقلیت استثمارگران به وسیله اکثریت کارگران مزدور دیروزی نسبتا چنان کار آسان، طبیعی و ساده‌ای است که به مراتب کمتر از سرکوب قیامهای بردگان، سرفها و کارگران مزدور خون خواهد طلبید و برای بشریت به قیمت بسیار ناژلتری تمام خواهد شد. بعلاوه این دولت با گسترش دمکراسی به چنین اکثریت قاطعی از اهالی همخوانی دارد به نحوی که ضرورت یک ماشین ویژه برای سرکوب آغاز به محو شدن می‌کند. مسلما استثمارگران بدون یک ماشین بسیار پیچیده قادر به انجام وظیفه خود دال‌بر پایین نگاه داشتن مردم نخواهند بود اما مردم قادرند با یک "ماشین" بسیار ساده، به تقریباً بدون "ماشین"، بدون یک دستگاه ویژه...، استثمارگران را پایین نگاه دارند" لنین چند سطر بعد اضافه می‌کند: "از هنگامی که همه اعضای جامعه با لاقل اکثریت قاطع آنها خود یاد گرفتند دولت را اداره کنند و اداره دولت را در دست گرفتند... ضرورت هر گونه حکومتی بطور کلی آغاز به محو شدن می‌کند. هر چه دمکراسی کاملتر شود همانقدر نیز زمان زائد شدن دولت نزدیکتر می‌گردد."

اینها بطور کلی آن خصوصیتی بود که کلاسیک‌های مارکسیستی برای دیکتاتوری پرولتاریا قائل بودند. از نظر مارکس و انگلس انقلاب سوسیالیستی می‌بایست اولاً در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی صورت گیرد، یعنی در کشورهایی که تجمع سرمایه در یک قطب و پرولتریزه شدن در قطب دیگر از هر جای دیگر کاملتر صورت گرفته است. ثانیا این انقلاب فقط می‌توانست بطور هم‌زمان در چندین کشور رخ دهد و به این ترتیب نه انقلابی ملی بلکه انقلابی بین‌المللی می‌بود. به این ترتیب اولاً از آنجایی که در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری افشار میانی جامعه به میزبان زیادی پرولتریزه می‌شوند، تجمع و تمرکز سرمایه حامیان نظام قدیم را به یک اقلیت ناچیز بدل می‌کند، اولین هم‌کرده دیکتاتوری پرولتاریا یعنی حفاظت از قدرت نوین در برابر طبقه خلع شده به تدابیر قمری گسترده‌ای نیاز نخواهد داشت. ثانیا از آنجایی که انقلاب تقریباً به‌طور هم‌زمان در مهم‌ترین کشورهای صنعتی انجام می‌گیرد دومین هم‌کرده دیکتاتوری پرولتاریا، یعنی دفاع از انقلاب در برابر هجوم خارجی نیز ناچیز خواهد بود. بنابر این از همان آغاز وزن همدی بر انجام وظیفه مثبت این دیکتاتوری، یعنی خودتریبیتی پرولتاریا و بسط دمکراسی جهت فراهم کردن زمینه خودگردانی و محو دولت، قرار خواهد داشت. به همین دلیل انگلس می‌گوید: "اولین اقدامی که در آن دولت واقعا به‌نایه نماینده مجموعه جامعه قدم برمیدارد تصاحب وسایل تولید به نام جامعه در هین حال آخرین اقدام مستلزم آن بعنوان دولت خواهد بود" (آنتی دورینگ)

همانطوری که تاریخ نشان داد انتظارات فوق برآورده نشدند و دیکتاتوری پرولتاریا نتوانست به شکلی که مارکس، انگلس و نیز لنین تا سال ۱۹۱۷ تصور می‌کردند متحقق گردد. انقلاب روسیه در دو زمینه با انتظارات بنیانگذاران سوسیالیسم هلی در تناقض قرار گرفت. این انقلاب نه در یک کشور پیشرفته بلکه در یک کشور هتق‌مانده صورت گرفت. بعلاوه انقلاب روسیه تنها ماند. میدانیم که لنین چندر بعد از انقلاب اکتبر امید داشت سایر کشورها (قبل از همه آلمان) نیز به انقلاب بپایبوند. او در سال ۱۹۱۷ می‌نویسد "گذار قدرت دولتی به پرولتاریا... آغاز درم شکستن جمیع منافع سرمایه در مقیاس جهانی خواهد بود..." (وظایف پرولتاریا در انقلاب ما) او در کتاب چرچی، بیماری کودکی در کمونیسم نوشت که پس از انقلاب پرولتری در یک یا چند کشور پیشرفته دیگر روسیه از نقطه نظر سوسیالیستی نه یک کشور نمونه بلکه دوباره یک کشور هتق‌مانده خواهد بود. او در جای دیگری موقیعت انقلاب در روسیه را به بسط انقلاب در سایر کشورها منوط می‌کند. درست همین انتظارات بودند که انترناسیول سوم را پدیدآوردند. اما هنگامی که دودباروت جنگ قیام‌ها و جنگ داخلی در ایالات محوش روشن شده‌ک قدرت شوروی باید تحت شرایطی تحکیم یابد که از انتظارات کلاسیک‌های مارکسیسم بسیار بدور بود. با توجه به انزواي جهانی دولت شوروی، از اولین روز پیدایش این دولت، و از هنگام مداخله نظامی قدرت‌های خارجی در جنگ داخلی روسیه رهبران شوروی خود را در برابر نبرد جان فرسای "که بر که" یافتند. لنین این نبرد را چنین تصویر کرد: "یا آنکه نابود میشویم و یا کشوری را پیشرفته‌تر را به لحاظ اقتصادی نیز پشت سر می‌گذاریم... یا نابودی یا تمام قوا به پیش. تاریخ مسئله را چنین در برابر ما قرار داده است. (خطر فلاکت و چگونگی مبارزه با آن) به این ترتیب نظام سوسیالیستی نه به دنبال نظام سرمایه‌داری بلکه در همزیستی با آن، و نه به عنوان میراث این نظام بلکه به عنوان رقیب آن یا به هرصه وجود گذاشت. تحت این شرایط وظایف سه‌گانه دیکتاتوری پرولتاریا که در سطور پیشین برشمرده شد. اساسا تحول یافت و نه تنها نقش سرکوبگر آن در هرصه داخلی و خارجی بشدت رشد کرد بلکه وظیفه سوم آن یعنی بسط دمکراسی و خودگردانی نیز اساسا ناممکن شد زیرا ضرورت رشد شتابان اقتصادی و ایجاد زمینه‌های صنعتی سوسیالیسم، بر نامهریزی متمرکز و نظام فرماندهی یک سری کارهای زبده را ایجاب می‌کرد. حال قبل از آنکه این بحث را دنبال کنیم بگذارید به این سوال پاسخ گویم که آیا با توجه به آنچه گفته شد انقلاب اکتبر از همان آغاز محکوم به شکست بود. به این موضوع نیز تنها از نقطه نظر تاریخی می‌توان پاسخ گفت. نظام سرمایه‌داری در قرن نوزدهم خود را به عنوان شیوه تولیدی مسلط مستقر ساخت و تا آغاز قرن کنونی همه جهان را به سلطه خود درآورد قانون قمری رقابت نیروهای مولده هتبی پدید آورد. اما

”سوسیالیسم“ مرد، زنده باد سوسیالیسم مزدک

زحمتکش دستگاه سیادت طبقات بهره‌کش را در هم شکست و متکی به تئوری مارکسیستی سازماندهی جامعه را به همدی گرفت. انقلاب اکتبر بی‌شک نقطه عطفی در تاریخ سوسیالیسم بود زیرا بر پایه آن آشکارا ثابت شد که سرگونی حاکمیت طبقات مالک امکان پذیر است. اما این انقلاب نطقه ناهنجاری‌های بعدی را که به هنگام ساختمان سوسیالیسم شکل گرفت در خود پنهان داشت. البته ناهنجاری‌ها همدتا در مراحل بعدی پدید آمد اما از همان ابتدا قادر بودند بر اساس اصول مارکسیستی پیش‌بینی شود. بهترین گواه این حقیقت این است که یک سری بر جسته‌ترین مارکسیست‌های آن زمان هواقب مزبور را در همان هنگام وقوع انقلاب پیش‌بینی کردند. هر چند برخی از آنها به مانند رزالوکز آمبورگ جانب لنین و تروتسکی را گرفتند و برخی دیگر به مانند کارل کائوتسکی و گئورگی پلخانوف انقلاب سوسیالیستی در روسیه را از همان هنگام رد کردند. مسئله قبل از هر چیز بر سر تئوری مارکسیستی شرایط انجام یک انقلاب سوسیالیستی می‌چرخد که به آن خواهیم پرداخت. همدی‌ترین تحلی ناهنجاری در جامعه شوروی شکل‌گیری مدلی از سوسیالیسم بود که با محدود کردن آزادی اعضای این جامعه همراه شود و رفته رفته افکار همومی جهان را نسبت به ایده سوسیالیستی متأثر کرد. ابتدا جنابات سالهای ۳۰ که خصلت تروریستی دیکتاتوری استالین را برهلا کردند و سپس قتل تروتسکی در مکزیک و حوادث مجارستان در سال ۱۹۵۶ و بالاخره سرکوب "بهار پراگ" در سال ۱۹۶۸ نقاط اوج این فرایند بود و بالاخره به این ترتیب سومین مرحله در تحول طرز تلقی افکار همومی نسبت به سوسیالیسم از دوران پس از جنگ و شکل‌گیری اردوگاه سوسیالیستی آغاز می‌شود. به‌طور آشکار می‌توان دریافت که ایده سوسیالیسم در پایان این مرحله که با از هم‌پاشی اردوگاه سوسیالیستی مشخص می‌شود جاذبیت و نفوذ خود پس‌رفت کرده و حاملان آن هم‌اکنون در بحران همیتی بسر می‌برند.

باری، بحث بر سر تضاد میان مضامین و اصول کلاسیک‌های مارکسیسم و امکانات تاریخی جامعه شوروی بود. نظریه دیکتاتوری پرولتاریا به وسیله مارکس و انگلس به دنبال شکست انقلابات ۴۹/۱۸۴۸ اروپا تدوین شد و سپس با تاجار ب کمون پاریس تدقیق و تکمیل گشت. از نظر مارکس پیش‌شرط گذار به جامعه سوسیالیستی آن بود که طبقه کارگ مجموعه قوای دولتی را تصاحب کند و به دنبال آن همدی‌ترین مسائل تولید را به تصرف خود درآورد و از موضع جدید خود در برابر نیروهای مدافع برقراری نظم قدیم پاسداری نماید. از نقطه نظر کلاسیک‌های مارکسیسم دیکتاتوری پرولتاریا به لحاظ مضمون خود بر خلاف همه حکومت‌های دیگر فقط یک سیستم اعمال جبر نبوده بلکه برعکس، برای اولین بار در تاریخ شکل سیادت اکثریت بر اقلیت و سیادت طبقه کارگر بر طبقه تا آن هنگام مالک و بهره‌کش را خواهد داشت. بنابر این دیکتاتوری مزبور بر خلاف همه حاکمیت‌های طبقاتی پیشین به تضمین سیاسی مناسبات اقتصادی استثمارگران ه خدمت نخواهد کرد و نتیجتاً به انجام رساندن وظایف خود از بین خواهد رفت. "هنگامی که پرولتاریا در مبارزه علیه بورژوازی خود را ضرورتاً به صورت طبقه متحد کند، به وسیله انقلاب به طبقه حاکمه تبدیل شود و به مثابه طبقه حاکم روابط تولیدی کهن را قهر از بین ببرد،

آنگاه با از بین بردن روابط تولیدی مزبور شرایط موجودیت تضاد طبقاتی، طبقات بطور کلی و به این ترتیب سیادت خود به مثابه طبقه را نیز از بین خواهد برد. به جای جامعه بورژواویی قدیم با طبقات و تضادهای طبقاتی خود جامعه‌ای خواهد نشست که در باتوجه کامل آزاد هر فرد شرط تکامل آزاد همه خواهد بود (مانیفست حزب کمونیست) مارکس هم‌لگر داین دیکتاتوری را به‌طور همدی اولاد ر حفاظت از قدرت نوین در برابر طبقه خلع شده، ثانیاً در برابر هجوم خارجی و ثالثاً خود تربیتی پرولتاریا جهت انجام وظیفه بزرگ خود یعنی بسط دمکراسی پرولتری و پدید آوردن یک جامعه خودگردان، می‌دید. انگلس در آنتو دیورینگ می‌نویسد: پرولتاریا قدرت دولتی را تصرف کرده و نخست وسایل تولید را به تملک دولت در می‌آورد. اما با این کار خود را به مثابه پرولتاریا و به این ترتیب همه اختلافات و تضادهای طبقاتی را از بین برده و بنابر این دولت را نیز به مثابه هروصه از بین خواهد برد." جامعه تاکنونی که تضادهای طبقاتی خود به دولت، یعنی سازمان سرکوب استثمار شدندگان به وسیله استثمار کنندگان نیاز داشت. اما هنگامی که دولت "بالاخره و اقعا نماینده همه جامعه می‌شود، خود را زائد می‌کند." به محض آنکه طبقه‌ای برای سرکوب وجود نداشته باشد یک ارگان ویژه سرکوب، یعنی دولت، ضرورت خود را از دست داده و "دخالت قدرت دولتی در روابط اجتماعی در همه حیطه‌ها، یکی پس از دیگری زائد شده و خود به خود به خواب می‌رود. بجای حکومت بر افراد اداره اشیاء و روندهای تولید می‌نشیند. دولت "لغو" نمی‌شود، بلکه "زوال" میابد." لنین نیز در اثر خود، دولت و انقلاب (۱۹۱۷) نوشت: "هنگام گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم هنوز سرکوب ضروریست، اما این دیگر سرکوب اقلیت استثمارگران به وسیله اکثریت استثمارشدگان است، در این هنگام

جهان ما در سال‌های اخیر دستخوش تحولات شگرفی بود. رخدادهای طوفانی در اردوگاه سوسیالیستی" بسان صافه معیارهای دیرپا را در هم شکسته و پریشانی اذهان بسیاری از رهروان جنبش کمونیستی را به همراه آورد. بویژه جنبش چپ ایران، که در نیم قرن گذشته بر اثر شکست‌های متوالی ضربه پذیر شده بود، در برخورد به تحولات مذبور سراسیمگی و خودباختگی از خود نشان داده است. تغییرات ۱۸۰ درجه‌ای در مواضع، بدون تحلیل هلمی و برخورد تاریخی به فرایندهای موجود، گواه این مدعاست. مقاله حاضر تلاشی است جهت ریشه‌یابی ناسامانی‌ها و کجروی‌هایی که به هنگام آزمایش ساختمان جامعه نوین رخ نمود و به پدید آمدن سیستم اداری - فرماندهی و از خود بیگانگی انسان مولد در دوران استالین منجر شد و با شدت ضعفایی تا دوران کنونی در کشورهای سوسیالیستی امتداد یافت.

تنها با تجزیه و تحلیل روابط پایه‌ای اجتماعی که در دوران گذار انقلابی پس از اکتبر در اتحاد شوروی شکل گرفت می‌توان شرایط پیدایش ناهنجاریهارا در این جوامع بررسی نمود. از آنجایی که این دوران گذار انقلابی، ساختمان جامعه سوسیالیستی بر پایه مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید را هدف خود قرار داده بود باید این جوامع را از زاویه کنکاش جامعه شناسانه دیکتاتوری پرولتاریا مورد پژوهش قرار داد و با معیارهایی سنجید که مارکس و انگلس برای این مرحله از فرایند انقلابی قائل بودند.

هلاوه بر این باید از نقطه نظر تاریخی به موضوع برخورد کرد. "استالینیسم" محصول یک جامعه معین در مرحله معینی از تکامل خود است. بنابر این بدون بررسی شرایط مشخص اجتماعی نمی‌توان به یک ارزیابی هلمی دست یافت. "استالینیسم" به لحاظ تاریخی "ضرورت" و غیر قابل اجتناب نبود. فرایند تاریخی، یک روند مکانیکی نیست و همواره آلترناتیوهای اجتماعی - سیاسی نیز موجودند. اما از سوی دیگر نمیتوان "استالینیسم" را یک تصادف قلمداد کرد، بلکه آن را نتیجه عوامل مشخص تاریخی محسوب نمود.

از نقطه نظر تئوریک "استالینیسم" یک سیستم فکری ویژه‌ای نبوده است. دوران استالینیسم چیزی بر آموزش‌های مارکس، انگلس و لنین نیافزود هر چند روح این آموزش‌ها را از محتوا تمی کرده بصورت آیه‌های مقدسی تفسیر نموده و آنها را به شکل دکم در آورد. فقط آنجایی که شرایط راه دیگری باقی نمی‌گذاشتند، این آموزش‌ها به نحو جدیدی دچار تفسیر می‌شدند. نظریه سوسیالیسم در یک کشور و یا مسئله زوال دولت در هنگام گذار به کمونیسم از این جمله‌اند. اما در مجموع "استالینیسم" پراتیک اجتماعی معینی است که همواره خود را بر "مارکسیسم - لنینیسم" مبتنی دانسته است.

به همین دلیل انتقاد هلمی از "استالینیسم" تنها با هزیمت از تئوری مارکسیستی "دیکتاتوری پرولتاریا" قابل حصول است، یعنی با هزیمت از مقاصد، اهداف و توقعات بنیان گذران سوسیالیسم هلمی. از این نظر "استالینیسم" محصول رابطه متلاطم آموزش مارکسیستی درباره جامعه نوین و شرایط استقرار جامعه مزبور می‌باشد. البته نه بصورت تناقض میان رویا و واقعیت بلکه میان مضامین و اصولی که کلاسیک‌های مارکسیسم برای جامعه نوین پیش‌بینی می‌کردند و امکانات تاریخی جامعه شوروی برای تحقق این مضامین و اصول.

بطور کلی می‌توان سه مرحله را در چگونگی برخورد مردم با ایده سوسیالیستی مشاهده کرد. مرحله مبارزه برای سوسیالیسم قبل از انقلاب اکتبر، مرحله بعد از این انقلاب در هنگامی که اولین دولت سوسیالیستی پدید آمد و بالاخره مرحله جدیدی که به تدریج پس از جنگ دوم جهانی شکل گرفت.

مرحله اول را می‌توان مرحله تخیل قلمداد کرد. البته نه به مفهوم کلاسیک کلمه نظیر "سوسیالیسم تخیلی" که در برابر سوسیالیسم هلمی قرار داده می‌شود بلکه به مفهوم تصویر جامعه آتی برای بسیج توده‌ها. تا آن هنگام، در این واقعیت هیچ نمونه هلمی موجود نبود که بتوان بر پایه آن اندیشه‌ها و تئوری‌های سوسیالیستی را مورد سنجش قرار داد. باید اعتراف کرد که چنین موقعیتی بسیار راحت است. کافیت فقط زبیبایی‌ها را بشارت داد و آن هم معمولاً علیه بدبختی‌های جامعه سرمایه‌داری. در این مرحله حاملان اندیشه سوسیالیستی از آنجایی که خود امکانی برای تحقق آرمان‌های خود نداشتند از دایره انتقاد نیز خارج بودند. البته نه هر نوع انتقادی زیرا بودند دشمنان اندیشه که قبل از تحقق سوسیالیسم به آن حمله می‌کردند. اما آنها دشمنان آن بودند و انگیزه طبقاتی جهت حملات خود داشتند. اما برای بقیه و قبل از همه برای طبقه کارگر و روشنفکران مترقی، سوسیالیسم تجسم یک آرمان بود، رویای برابری، برادری و آزادی بود. سوسیالیسم هلمی برای اولین بار نسبت به همه رویاهای دیر پای بشرت با ابزار و روش‌های تجزیه - تحلیل هلمی برخورد کرد و این مایه جذب قلب و مغز بشریت شد.

در مرحله دوم اندیشه سوسیالیسم از آسمان به زمین آمد و نزد ماساکن شد. انقلاب اکتبر اولین نمونه تاریخی تحقق پیروز مند ایده سوسیالیستی است. در این انقلاب حزبی به قدرت رسید که به نام توده‌های

بجربه وحسرت سالهای گذشته

په از صفحه آخر
مت ۳ هزار نایر خریده بود.
و مایل او دیگر زنگ زده شده
ت و وی توان خریدن لوازم
کی را ندارد. امروز قیمت یک
و مایل دست دوم سالم، صد هزار
براست.

بطور کلی، ۲۸ دانشگاه این
نور، نمونه‌ای شم انگیز از صعود
سقوط اقتصاد نیجریه‌اند.
نشانگاه‌های زمانی توسعه یافتند که
بر تلاشی پایه‌های اقتصادی با
هش قیمت نفت آغاز شده بود. در
لی که در سال‌های اخیر، شمار
نوجوانان ۵۰ درصد افزایش
نت به ۱۴۰ هزار نفر رسیده،
دجه آموزشی کشور کاهش
فته است. "در گذشته ۱۲۵

ار جوان نیجریه‌ای در خارج
بصیل می‌کردند. امروز دیگر
ها در حدود ۱۱۰۰ بورسیه
ارج مانده‌اند. شمار بسیار
صدودی از مردم می‌توانند
خارج تحصیل در خارج با بودجه
خصی را متحمل شوند.
سه‌های کتابخانه‌ها، منظره شم
لیری دارد: جدیدترین کتابها و
جلات، مربوط به سال‌های
۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ است. از آن به
بد، پولی برای خرید وجود
اشته است. بنابراین رساله‌ها
لوز اجتناب ناپذیر کهنه‌اند.
ای پاپر جا نگهداشتن سیستم
خرج "مجمع دانشگاهی"،
انشجویان باید خود خرج
وراک و مسکن را بدهند.
ین ترتیب برای بسیاری از
زندان خانواده‌های کم‌بضاعت،
بصیل غیر ممکن شده است، و
خی دیگر، اتاقتان در خوابگاه
ا به دیگران گرایه می‌دهند
علوی که اغلب به جای سه نفر،
شت دانشجو در یک اتاق زندگی
ی کنند.

هم افراد فقیر که دیگر
ستشان به دهشتان نمی‌رسد، و
م مرفه‌ترها که مجبور شده‌اند
بطح زندگی خود را تنزل دهند،
علور روزمره بدنبال این اند که از
وت لایموت جامعه که هر روز هم
جتر می‌شود، بخش بیشتری از آن
نود سازند. این سنت رایج در
نریقا که از یک کار یا یک کمک
دردانی شود، در قالب مناسبات
ولی رفته است. در اروپا به این
اکتیک بقاء کلمات زشتی مانند

رشوه دادن و فساد اطلاق
می‌کنند. اما در کشورهای به
اصطلاح در حال رشد، این
مکانیزم نوعی زنجیره دایره‌وار
بزرگ برای تجدید توزیع و ثروت
اجتماعی است. هرچ و هرچ نهادی
شده در فرودگاه‌ها، در این مورد
بقدر کافی درس‌آموز هست.

قیمت بلیط را شرکت هوایی
نیجریه می‌گیرد. اما وقتی زنی
که پشت باجه نشسته است اعلام
کند "پرواز پر شد"، مسابقه
دشروع می‌شود. دلان، از
مشتریان مایوس شده از باجه، ۵۰
نایر می‌گیرند. خاتم پشت باجه، که
با حقوق خود هرگز نمی‌تواند به
رستوران‌های پر زرق و برقی که
خیلی دوست دارد برود، درازای
۲۵ نایر در یک اتاقک کوچک به
مشرتی یک کارت سوار شدن به
هوایپما می‌دهد. نیم دیگر ۵۰
نایر را واسطه برای خود نگه
می‌دارد. زیرا در این صورت باید
مسافر را بدون گذشتن از کنترل
امینیتی به باند فرودگاه برد. در
نتیجه به کنترل‌کننده بار هم مبلغی
می‌رسد.

باینکه این دو شیدن در سطح
پایین، اغلب هنصری از هذالت
اجتماعی در خود دارد (زیرا هر
کس بتواند خرج یک پرواز را
تامین کند، می‌تواند چند نایر هم
به آدم‌های فرودگاه بدهد)،
زندگی روزمره را به نوعی مبارزه
دائمی تبدیل می‌کند. هر مراجعه
به ادارای، تبدیل به پرش‌اخصاب
خردکن از روی موانع می‌شود.
جامعه، تبدیل به جامعه رقابت
میشود که در آن از صبح تا شام،
چشم در مقابل چشم و نایر در
مقابل نایر است. در چنین
ساختارهای داروینیستی تنازع
بقا، دیگر به چه کسی می‌توان
اعتماد کرد؟ چه در هتل و چه در
شرکت تلفن: اول پول نقد را باید
بدهی و بعد وارد اتاق شوی یا تلفن
کنی.

"پسران لاگوس" گواهی
بر این هستند که میدان عمل چقدر
تنگ است. "پسران لاگوس" نام
شعبه‌بازان ماهری است که هر
روز با ریه‌هایی سربین، با
راه‌بندان‌های چند ساعته در هم
می‌آمیزند. اینها با هبور از بین
سپرها و کاپوت‌های ماشین‌ها،
نقش نقشه‌های متحرکی را دارند

که به سرنشینان اتومبیل‌ها، که بی
دفاع در چنبره ترافیک و
فروشدگان قرار می‌گیرند، هر
چیز قابل حمل را هر ضمه می‌کنند: از
ساعت مچی گرفته تا آنتن‌های
پرتابل تلویزیون و صندوقی
مخصوص بچه. اگر دولت بخواهد
محدودیت واردات را تشدید کند
یا بطور جدی به کنترل قاچاق
اعناس بپردازد، با خشم "پسران
لاگوس" روبرو خواهد شد، زیرا
بیشتر کالاهایی که آنها به
سرنشینان اتومبیل‌ها هر ضه
می‌کنند، از خارج می‌آید. و اگر
"پسران لاگوس" دست به
شورش بزنند، چنین شورش‌های
هر دولتی مشکلی بزرگتر از یک
اعتصاب خواهد بود. در مقابل
اعتصاب، می‌توان افراد اعتصاب
شکن خرید و به رهبران سندیکاها
رشوه داد. اما "پسران لاگوس"
تشکل ثابتی ندارند و به زحمت گیر
می‌افتند.

ممر معاش "پسران لاگوس"،
شیفتگی مردم نیجریه به کالاهای
وارداتی است. از مایه خمیر
هلندی تا شلوارهای تایلندی، هر
چیزی که در خارج تولید شود،
بهتر از کالاهای داخلی است. حتی
انبوه لباس‌ها و کفشهای کهنه و
مندر س از اروپا، که در صدها بساط
بازار عظیم یا با دیده می‌شود،
رتیب خطرناکی برای صنایع
محلی است. دولت روی
آکھی‌های بزرگ کنار خیابان
نوشته است: "ما دواره در پیش
داریم: خودکفایی یا اسارت
اقتصادی". در این پوسترها
محصولات کشاورزی تحسین
می‌شود. دولت، از مردم دهوت
می‌کند به روستاها و به تولید
کشاورزی بازگردند. اما بر سرش
هر خیابان لاگوس، مردم
قرص‌های نان سفید تهیه شده از
گندم وارداتی را می‌خرند و
می‌خورند. کمتر کسی است که
مایل باشد شهر را ترک کند، زیرا
در شهر هنوز مغرها و امکانات
زیادی برای دستیابی به چند نایر
فراهم است، امکاناتی که اغلب
کاملا قانونی نیست، اما چه
می‌شود کرد؟

نرخ تورم در ماه‌های اخیر
طبق آمار رسمی از ۵۱ درصد به
۳۱ درصد کاهش یافته است. گفته
می‌شود ذخایر ارزی به حدود
۲/۳ میلیارد رسیده است. این
امر نتیجه افزایش سهمیه
استخراج نفت نیجریه از سوی
سازمان کشورهای صادرکننده
نفت (اوپک) و بالا رفتن قیمت

نفت تاپیش از فرا رسیدن بهار
بوده است. اما بزرگترین مانع
بهبود وضع اقتصاد نیجریه، یعنی
وابستگی به طلای سیاه، به جای

خود باقی است. این کشور ۹۰
درصد درآمد صادرات خود را از
طریق صدور نفت خام و قطران
تامین می‌کند. برنامه تغییر

خوگیری به‌الکل:

وراثت یازمینه‌های اجتماعی؟

حبیب بهداد

ترجمه از Tageszeitung

تحریک وانگیزش شدید و پیوسته وادارند و
بدین سان کمبود یادشده را جبران کنند.
به لحاظ تئوریک ژن ناهنجار تازه یافت شده
می‌تواند در کمبود گیرنده‌های دوپامین بر روی
سلولهای عصبی و یا ناتوانی آنها در جذب دوپامین
نقش بسزایی داشته باشد. گودریس بر آن است که ژن
یاد شده نه تنها در گرایش به الکل بلکه در زمینه اشتها
و رفیت همومی فرد و نیز تعداد معینی از رفتارها
و حرکات وی کارایی برجسته‌ای دارد. نوبل که
مسئولیت هدایت پژوهش‌یادشده را به عهده دارد نیز
می‌گوید: "طبیعت نه ژن و نه ویزهای برای الکل بلکه
ژنی برای میل و رفیت عاطفی و اشتهای همومی
آفریده است." با کشف یاد شده اکنون حتما روشن
می‌شود که چرا احتمال خوگیری فرزندان افراد
الکلی ۴ بار بیشتر از فرزندان افراد هادی است. نقش
وراثت در خوگیری به الکل پیش از این نیز در پژوهش
بر روی برخی دوقلوها و فرزند خوانده‌ها تا حدودی
آشکار گشته بود. با اینهمه پژوهشگران یادآوری
می‌کنند که هر گونه خوگیری به الکل را نباید به عوامل
ارثی پیوند داد، زیرا که برخی از افراد مورد پژوهش
به رقم ناهنجاری ژنتیک هیچگاه به الکل خو نگرفته
بوده‌اند و در برابر برخی دیگر به رقم سلامت ژنتیک
معتد به الکل بوده‌اند. و درست همینجاست که نقش
عوامل اجتماعی در خوگیری به الکل دوباره طرح و
برجسته می‌شود.

پژوهشگران امیدوارند که با یافته خود بتوانند
سهم بسزایی در مبارزه با خوگیری به الکل ایفا کنند.
هم‌اکنون تنها در آمریکا ۱۸ میلیون انسان الکلی
زندگی می‌کنند و این ماده هستی سوز سالانه صد هزار
تربانی می‌گیرد. از هر ۵۰۰ نوزاد آمریکایی یکی
روحا و یا جسا دچار اختلال و عقب ماندگی است،
زیرا که مادر وی در دوران بارداری از نوشیدن
مشروبات الکلی خودداری نکرده است.

نوبل و بلوم برآنند که پژوهش خویش را تا جایی
پیش برند که ژن ناهنجار در یک آزمایش خون ساده
تشخیص‌پذیر باشد. بدین سان پزشکان خواهند
توانست با دلیل و برهان افراد دارای ژن ناهنجار را به
پرهیز از مصرف پارهای از مواد مخدر فراخوانند.
افزون بر آن این امکان پدید می‌آید که گرایش به الکل
با کمک داروهای ویژه‌ای که بر روی گیرنده‌های
دوپامین موثرند، کاهش داده شود. پژوهشگران
امیدوارند که در آینده‌ای دیر تر ژن شناسان بتوانند با
جراحی بر روی ژن یاد شده ناهنجاری آن را از میان
بردارند.

خوگیری به الکل تنها زمینه اجتماعی ندارد و
می‌تواند به میزان معینی به عوامل ارثی بستگی
داشته باشد. این گمانه که چندان تازه هم نیست،
اکنون با برآمدهای بدست آمده از پژوهش‌های
دانشمندان آمریکایی پشتوانه علمی و منطقی‌تر
یافته است. این پژوهشگران در بررسی‌های خود به
گونه‌ای ناهنجاری ژنتیک برخورد کرده‌اند که بیشتر
در ژنهای افراد الکلی یافت می‌شود. به گفته انوخ
گودریس از اعضای انجمن ملی مبارزه با خوگیری به
مواد مخدر و الکل در آمریکا بررسی‌های آماری بر
درستی چنین کشفی گواهی می‌دهند، با اینهمه برای
نتیجه‌گیری قطعی هنوز انجام پژوهشهای بیشتری
بایسته است. دو پژوهشگر آمریکایی بنامهای ار نست
نوبل و کنت بلوم پس از بررسی و پژوهش بر روی هفت
۷۰ انسان مرده به شناخت ناهنجاری ژنتیک یاد شده و
نقش عوامل وراثتی در خوگیری به الکل راه برده‌اند.
۳۵ نفر از افراد مورد پژوهش به الکل خوگیری
داشته‌اند که همین امر به بیماری جگر آنها و ماله
مرگ آنها انجامیده است. ۳۵ نفر دیگر اما افراد
سالمی بوده‌اند. پژوهشگران یاد شده بر روی یکی از
ژنها به نام ژن گیرنده د-م (Rezeptor-Gα)
(d2) رشته‌هایی غیر عادی از DNA (دزوکسی ریبو
نوکلئیک اسید) یافته‌اند. گفتنی است که ژن یاد شده
خود بر روی کروموزم شماره ۱۱ قرار دارد. در ۲۸
در صد کل افراد یاد شده و در ۷۷ درصد از ۳۵ نفر افراد
خو گرفته به الکل چنین ناهنجاری ژنتیکی دیده شده
است. ژن گیرنده D۲ همراه با ماده‌ای به نام
دوپامین در ارضای رفیتها، هادات و اشتهای انسان
نقش برجسته‌ای بازی می‌کند، ژن یاد شده بر رویه
برخی از سلولهای عصبی مغز گیرنده‌هایی
(Rezeptor) می‌سازد که جذب کننده دوپامین
هستند. تحریک وانگیزش برخی از سلولهای عصبی به
تراوش دوپامین از آنها می‌انجامد و با جذب دوپامین
توسط گیرنده‌ها زنجیره‌ای از واکنش‌ها روری
می‌دهد که برخی هادات و نیازهای جسمانی و روانی
انسان را کنترل می‌کنند. انسان از چندی پیش از
رهگذر پژوهش‌های خود در مورد موش صحرایی به
پیوند میان گیرنده‌های دوپامین و نیازها و رفتارهای
هادت گونه آشنا بوده است. دانشمندان فنلاندی سالها
پیش دریافتند که آن موشهای صحرایی که گرایشی
ذاتی به الکی نشان می‌دهند در سنجش با سایر
موشهای صحرایی از شمار کمتری از گیرنده‌های
دوپامین برخوردارند. از اینرو آنها تلاش می‌کنند
گیرنده‌های موجود خود را با مصرف مواد الکل دار به

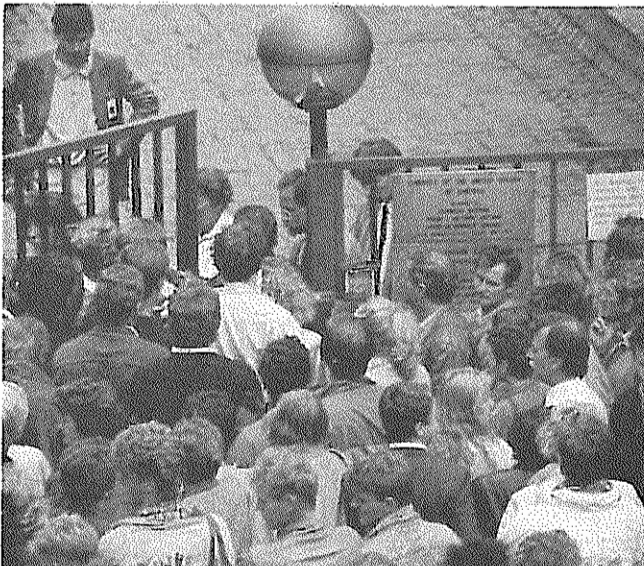
لهمستان: انشعاب در "همبستگی"

فهاالت طرفداران والسا از
برکناری یاروزلسکی در حالی
است که رئیس جمهوری لهستان
تاکنون مانعی بر سر اعمال
سیاستهای دولت مازوویتسکی
ایجاد نکرده است. یاروزلسکی
حتی اخیرا کنار گذاشتن وزرای
کشور و دفاع را که در گذشته
کمونیست بودند، پذیرفت.

طرفداران مازوویتسکی
طرحی به پارلمان لهستان ارائه
داده‌اند که به موجب آن، رئیس
جمهور این کشور باید مستقیما
توسط مردم انتخاب شود و نه در
پارلمان تصویب این طرح،
انتخاب رئیس جمهور را حداقل
به بعد از انتخابات پارلمان در سال
آینده موکول خواهد کرد. گفته
می‌شود مازوویتسکی می‌خواهد
برای جلوگیری از رئیس جمهور
شدن والسا، خود را کاندید ریاست
جمهور می‌کند. طبق برخی
نظر سنجی‌ها، محبوبیت
مازوویتسکی نزد مردم لهستان
بسیار بیش از والسا است.

اساسی لهستان، حتی اکثریت
پارلمان نیز امکان برکناری رئیس
جمهور را ندارد.

بقیه از صفحه آخر
مسئله احراز این یان پست توسط
افراد معین می‌داند. طبق قانون



از دحام مردم در مقابل دروازه سفارت آمریکا در ورشو

شرکت‌های چندملیتی

ح. نادر

-فراملیتی

-ماورای ملیتی

علاوه بر چهار اصل یعنی نام برده در فوق که هر یک به نحوی شرکت‌های چند ملیتی را برانگیختند تا بنگاه‌های تولیدی و خدماتی خود را در دیگر کشورها که جویایگوی شرایط آنها باشند، مستقر نمایند، راه‌های غیر مشهود دیگری هم جهت انتقال سود بیشتر وجود دارند. منظور از راه‌های غیر مشهود آن نیست که ثروت‌های اندوخته شده دوران چشم مسئولین حکومتی قرار گیرد. خیر! حتی در صورت ضرورت می‌توان دفاتر حساب رسمی شرکت‌ها را هم از نظر مالیاتی مورد بازرسی قرار داد و احتمالاً مشاهده کرد که همه چیز بصورت "دمکراتیک" جریان دارد و بقول معروف گلاسنوست شامل حال این شرکت هم می‌گردد. این راه "دمکراتیک" مکانیسم خودش را دارد که در علم اقتصاد سرمایه‌داری به "قیمت انتقالی" (۱) معروف است. این مکانیسم دارای دو کانال عمده تحصیل سهم بیشتر سود سرمایه می‌باشد. یکی کانال بازرگانی و

تولیدی و دیگری مالی است. موضوع "قیمت انتقالی" بحثی بسیار وسیع و از حوزه یک مقاله چند صفحه‌ای خارج است. طرفداران "بازار رقابت کامل" معتقدند که استفاده از این مکانیسم بسیار محدود می‌باشد. اما اگر بپذیریم که شرکت‌های چندملیتی ضمن رقابت باهم سعی در انحصاری کردن بیشتر بخشهای اقتصادی دارند و خود شرکت‌های چند ملیتی اغلب در موقعیت انحصاری قرار دارند آنگاه وضع به گونه دیگری خواهد بود. مثلاً در صنعت اتومبیل سازی رقابت زیادی در هر ضلع مدلهای مختلف وجود دارند ولی هر شرکت انحصار مدل خاص خود را از نظر کیفی دارد. بنابراین

استفاده از "قیمت انتقالی" می‌تواند مد نظر هر یک از آنها قرار گیرد. حالا که این مکانیسم قابل استفاده است می‌توان با آوردن بنیة در صحنه

بذنبال مابها اختلاف و کشمکش میان تادئوش مازوویتسکی نخست وزیر لهستان و لخ والسا رهبر اتحادیه "همبستگی"، این اتحادیه دچار انشعاب شد. طرفداران مازوویتسکی، روز شنبه ۲۸ ژوئیه حزبی به نام "جنبش مردمی برای اقدام دمکراتیک" تاسیس کردند. زیگنیو بویاک، یکی از رهبران

لهستان: انشعاب در "همبستگی"

اتحادیه همبستگی در دهه ۸۰، در کنگره موسس این حزب با حضور بیش از هزار نماینده گفت: "در جبهه "همبستگی"، نوعی قطب بندی در جریان است... این امر الزام‌مندی نیست." یک ماه پیش از این، پیروان والسا حزبی به نام "اتحاد مرکز" تشکیل داده بودند. حزب والسا خود را یک حزب "راست میانه"

تن از رهبران حزب کمونیست، عضو کمیته اجرایی ملی کنگره ملی آفریقا نیز هستند. دو نفر از ۲۱ عضو رهبری، هم‌اکنون در زندان به سر می‌برند. همچنین رونی کاسریلز که در حال حاضر تحت تعقیب است، در رهبری عضویت دارد و در گردهمایی سوئو حضور داشت.

جو سلوو دبیر کل حزب در نطق خود ادعاهای دولت آفریقای جنوبی مبنی بر دخالت حزب کمونیست در یک توطئه براندازی را رد کرد. وی گفت حزب کمونیست به بیانیه مشترک کنگره ملی آفریقا و دولت آفریقای جنوبی که در ماه مه در کیپ تاون امضا شد، متعهد است.

دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی از گذشته احزاب کمونیست که در راس رژیم‌های سرکوبگر استالینی قرار داشته‌اند، انتقاد کرد. وی در همین حال افزود تاکنون هیچ عضو دولت آفریقای جنوبی از آنچه به نام آپارتاید روی داده، اظهار تاسف نکرده است.

نلسون ماندلا به گردهمایی حزب کمونیست پیامی فرستاد. وی در این پیام نوشت با وجود اینکه کنگره ملی آفریقا، یک حزب کمونیست نیست، اما از آنجا که مدافع دمکراسی است، قاطعانه از حق موجودیت حزب کمونیست آفریقای جنوبی جانبداری می‌کند. ماندلا افزود حزب کمونیست در مبارزه علیه آپارتاید به عنوان یک متحد قابل اطمینان، از من خود را از سر گذرانده و هرگز نکوشیده است مواضع ایدئولوژیک خود را به کنگره ملی آفریقا تحمیل کند.

دکتر رئیس جمهور آفریقای جنوبی در روز پنجشنبه ۲۶ ژوئیه به ماندلا اطلاع داده بود که پلیس ۴۰ تن را به اتهام عضویت در گروه‌های مخفی وابسته به احزاب کمونیست، بازداشت کرده است.

آغاز فعالیت علنی حزب کمونیست

آفریقای جنوبی

آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی و ری الکساندر، از زنان مسئول اتحادیه‌های کارگری و بنیانگذار سازمان زنان آفریقای جنوبی، از جمله رهبران حزب هستند. تعداد زیادی از اعضای رهبری، به عنوان فعالان سندیکایی شناخته شده‌اند. هشت



فروشنده‌های دوره‌گرد در لاگوس پایتخت نیجریه، هر چیز را که قابل حمل باشد، می‌فروشند.

نیجریه وحسرت سالهای گذشته

دائمی خواهد بود. مردم برای هم تعریف می‌کنند که چگونه در لاگوس خیابان‌ها را می‌بستند تا جشن‌های مقصد بر پا کنند. این جزئی از فرهنگ نیجریه است که اقنیا با بلند طبعی از ثروت خود به دیگران هم بخشند و بدین گونه بر اعتبار اجتماعی خود بیافزایند. بطور سنتی، هدف ثروتمند شدن، مصرف است و نه انباشتن سرمایه. در هیچ کشور آفریقا مانند نیجریه اقتصاد با چنین سرهتی به افول نرفته است. اوایل دهه ۸۰ درآمد سرانه در نیجریه بیش از هزار دلار بود و امروز به ۳۰۰ دلار هم نمی‌رسد.

استاد دانشگاهی که از او سخن گفتیم، ماهانه ۱۵۰۰ نایرا (معادل ۳۳۰ مارک) حقوق می‌گیرد. حقوق او از اوایل دهه ۸۰ تاکنون ثابت مانده است، اما این پول در آن هنگام، یعنی قبل از نخستین دور کاهش شدید ارزش پول نیجریه در سال ۱۹۸۶، برابر ۶ هزار مارک بود. این استاد، فولکس وگن دست دوم خود را به

شده‌اند زیرا قیمت کاغذ در نیجریه ظرف دو سال گذشته به ۴۰ برابر افزایش یافته است. فستوس، راننده تاکسی، با حسرت از دوره‌های سخن می‌گوید که صاحب دو اتومبیل بود، او ناچار شده است تاکسی‌هایش را بفروشد و مخارج زندگی خود را اکنون به عنوان راننده‌ای در استخدام دیگران تأمین می‌کند. یک استاد دانشگاه که در گذشته حداقل سالی یک بار به لندن سفر می‌کرد، اینک در یک مجتمع مسکونی حقیرانه برای کارکنان دانشگاه ساکن است.

برای همه مردم نیجریه، گذشته دورانی انسانی‌ای است. وقتی درباره گذشته، درباره اوایل دهه ۸۰، وقتی که این کشور هنوز در اوج رونق نفتی فوطه می‌خورد، سخن می‌رود، از آن زمان مانند بهشت همدی‌یاد می‌شود که مردم نیجریه را از آن بیرون کرده‌اند. هم فستوس تاکسی‌ران و هم آن استاد دانشگاه، گمان می‌کردند رفاه بدست آمده

کشور آفریقایی نیجریه نیز مانند ایران، نفت خیز است. اما نیجریه نیز مانند ایران، نتوانست از فرصت مناسبی که "رونق نفتی" در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ ایجاد کرده بود، برای رشد سریع اقتصادی استفاده کند. اکنون نیجریه نیز با مسائلی دست به گریبان است که سایر کشورهای آفریقای سیاه، کشورهای که ثروت طبیعی نیجریه را ندارند، با آن مواجهند. این گزارش خبرنگار روزنامه آلمانی "فرانکفورتر تسا" به خوبی اوضاع نابسامان اقتصاد نیجریه را بازتاب می‌دهد.

☆ ☆ ☆

در اتاق هتل در لاگوس، یک یادداشت مودبانه به مهمان هتل تذکر می‌دهد که نیتل، شرکت تلفن دولتی، نرخ تلفن را ۸۰۰ درصد افزایش داده است. از این رو با کمال تاسف، یک گفتگوی تلفنی سه دقیقه‌ای به جای شش نایرا، ۶۰ نایرا تمام خواهد شد. اخیراً، روزنامه‌ها نیز کم حجم‌تر

اسرائیل می‌خواهد

مهاجران شوروی را

در مناطق اشغالی اسکان دهد

فراخوان‌های مکرر کشورهای عربی تهدید کرده است که در صورت عدم تضمین دولت اسرائیل مبنی بر اینکه مهاجران یهودی در مناطق اشغالی اسکان داده نمی‌شوند، صدور اجازه خروج برای آنها را متوقف خواهد کرد. پس از این تهدید شوروی، آریل شارون وزیر مسکن اسرائیل گفته بود که مهاجران تنها در قلمرو خود اسرائیل ساکن خواهند شد.

رئیس دایره اسکان اداره مهاجرت اسرائیل اعلام کرد ظرف ۶ ماه آینده حدود ۳۰ هزار مهاجر یهودی از شوروی، در مناطق اشغالی فلسطین اسکان داده خواهند شد. این اظهارات مقام نامبرده اسرائیلی که طی دیداری از ساکنان یهودی منطقه اشغالی فزه به عمل آمد. برخلاف قول‌های مقامات دولت اسرائیل در چند هفته گذشته است که تحت فشار بین‌المللی گفته بودند که مهاجران یهودی شوروی در مناطق اشغالی اسکان داده نخواهند شد.

مسئول اسکان مهاجران گفت در پایان سال ۱۹۹۰، حدود ۱۲۰ هزار یهودی در مناطق اشغالی فلسطین سکونت خواهند داشت. در حال حاضر شمار سکنه یهودی کرانه غربی رود اردن ۸۰ هزار و تعداد یهودیان ساکن نوار فزه ۱۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. دولت شوروی پس از

اکثریت

بشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

حساب بانکی: M.ABD
کدبانک: NN-35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
W.GERMANY

AKSARIYAT
NO. 314

MONDAY 6.AUG.1990

آدرس: RUZDEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

می‌داند و طرفداران نخست‌وار لهستان، با تشکیل حزب جد هدف ایجاد آلترناتیوی در بر حزب والسار ادنبال می‌کنند.

۳۴ تن از نمایندگان "ات مرکز" در پارلمان اقدامی بر جمع‌آوری امضا به طرفداری خواست استعفای یاروژلس رئیس جمهور لهستان را کردند. آنها می‌خواهند والسا جای یاروژلسکی رئیس‌جمعه شود. حزب والسا همچنین دو مازوویتسکی را متهم می‌کند آهنگ انجام اصلاحات از سوی آ به قدر کافی سریع نیست.

در مقابل شعار "یاروژلس باید برود" که طرفداران والا سر داده‌اند، پیروان نخست‌وز لهستان، فعالیت نهادهای دول بر اساس قانون اساسی را مهم‌تر

بیتیه در صحنه

وضعیت نامعلوم

در لیبیا

در اوایل هفته گذشته از لیبی واقع در غرب آفریقا گزارش‌ها رسید که شورشیان به رهبری چار تیلور توانسته‌اند مونروپاینتخ این کشور را تصرف کنند و دول جدیدی تشکیل دهند. اما اواسط هفته، نیروهای وفادار ساموئل دو رئیس جمهور لیبی توانستند دست به تهاجمی علیه شورشیان زده و بخش‌هایی پایتخت را بار دیگر به تصرف خود درآوردند. در روز سه‌شنبه ۱ ژوئیه، در حدود ۵۰۰ سربا دولتی ساختمان‌های وزارت دارایی و وزارت دفاع را تصرف کردند و در جهت مرکز شهر پیش رفتند.

جنگ در لیبیا بیش از پیش؛ صورت یک جنگ قبیله‌ای درآمد. علاوه بر نبرد میان نیروهای وفادار به ساموئل دو و شورشیان در میان خود نیروهای مخالف دیکتاتور لیبیا نیز درگیری‌هایی جریان دارد. پریس جانسون یکی از همکاران نزدیک تیلو رهبر شورشیان، رهبری یک گروه جدید را به عهده گرفته، با گروه خود تا نزدیکی مقر رئیس‌جمهور پیش‌رفت.

در شب دوشنبه ۳۰ ژوئیه، در مونروپا جنایت هولناکی روی داد که بیشتر ناظران، عاملان آن را سربازان وفادار به ساموئل دو می‌دانند. چندی نذر غیرنظامی، از جمله صدها زن و کودک، که به یک کلیسا پناه برده بودند، توسط نظامیان قتل‌عام شدند. سربازان در ساعت دو پس از نیمه شب وارد کلیسا شدند و به روی افراد داخل آن آتش گشودند. بیشتر قربانیان، از قبایلی هستند که از شورشیان حمایت می‌کنند. در مقابل، هزاران تن از افراد وابسته به قبایل متحد ساموئل دو به کشورهای همسایه لیبیا گریخته‌اند. آنها می‌گویند صدها تن از افراد قبایلشان توسط شورشیان به قتل رسیده‌اند.

تلاش‌هایی برای طرح مسئله لیبیا و آتش‌بس در جنگ داخلی این کشور در سازمان ملل جریان دارد.